

# انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۱۱۰

شنبه ۱۵ دی ۱۴۰۳، ۴ ژانویه ۲۰۲۴

گرانی، سقوط ریال  
سقوط اقتصاد جمهوری اسلامی

شهلا دانشفر

لطف‌الله سیاه‌کلی، نماینده ادوار مجلس رژیم در مصاحبه با سایت حکومتی تجارت نیوز، در رابطه با افزایش هر روزه نرخ ارز اظهار می‌دهد که اگر این افزایش ادامه یابد دیگر نخواهند توانست آن را کنترل کنند و می‌گویند: "دلار اگر به ۹۰ هزار تومان برسد، فروپاشی اقتصادی صورت می‌گیرد. خیلی‌ها خوابند و این را نمی‌شنوند". و همان جا نسبت به خطرناک بودن آن برای نظام هشدار می‌دهد. او در ادامه سخنانش می‌گوید: "مردم دیگه چیزی ندارند بابتش بدهند. تورم جدید تخریب‌کننده است، بحران ایجاد می‌کند چون مردم ذخایری ندارند که با اون بحران رو تحمل بکنند."

سقوط اقتصادی حکومت، سقوط حکومت است. این گفته‌ها اعترافی از سوی حکومتیان مبنی بر فروپاشی و فلج اقتصادی‌اش است. این سخنان همچنین نشانگر هراس و وحشت حکومتیان از انفجار اجتماعی‌ای است که در چشم‌انداز نزدیک جامعه قرار گرفته است. انفجاری اجتماعی که وقوعش حتمی است و به مراتب از فوران انقلاب در سال ۱۴۰۱ قدرتمندتر خواهد بود.

روشن است که سقوط ارزش ریال مستقیماً بر روی افزایش هزینه‌های معیشتی مردم و حتی بعضاً نایابی آن تأثیر گذاشته و وضع هر روز وخیم‌تر خواهد شد. به گزارش نور نیوز با توجه به اینکه بسیاری از کالاهای بخش تولید کشور از طریق واردات تأمین می‌شوند، نوسانات ارزی به طور مستقیم بر قیمت‌ها اثر می‌گذارد. این رسانه حکومتی هشدار می‌دهد که در صورت ادامه این روند احتمال افزایش بیشتر قیمت‌ها و بروز مشکلاتی چون کمبود کالا و احتکار در بازار وجود خواهد داشت.

واقعیت این است که فلج اقتصادی جمهوری اسلامی همانطور که قبلاً نوشته‌ام جامعه را فلج کرده است. تداوم افزایش نرخ ارز و همچنین قطعی برق و گاز صنایع، سطح عمومی قیمت‌ها را به شدت افزایش داده است و اکنون رسانه‌های حکومتی خود از تورم بی‌سابقه در بازار خوراکی‌ها خبر می‌دهند. از جمله روز پنجشنبه سیزدهم دی وبسایت نور نیوز، نزدیک به شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، در گزارشی با اشاره به افزایش قیمت کالاهای مصرفی از افزایش بی‌سابقه اقلام معیشتی مردم خبر داد. این در حالی است که بانک مرکزی جمهوری اسلامی به روال همیشه با اعلام آمار دروغین از نرخ تورم و ادعای رسیدن آن به کمترین میزان در ۵۰

ماه گذشته، تلاش دارد اوضاع را آرام جلوه دهد.

ادامه در صفحه ۲



دوران گذار و سیاست حزب

حمید تقوایی

صفحه ۳

سرنگونی حکومت و آینده جامعه

کاظم نیک‌خواه

صفحه ۴

نقش کارتر و سرنگونی حکومت پهلوی

حسن صالحی

صفحه ۵

انتخاب حزب یک ضرورت عاجل است!

اصغر کریمی

صفحه ۷

جمهوری اسلامی ۵ سال بعد از قاسم سلیمانی!

نسان نودینیان

صفحه ۹

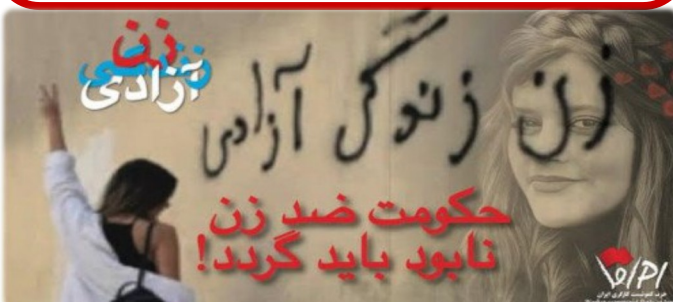
"یقه‌درانی" سران حکومت علیه یکدیگر

مهران محبی

صفحه ۱۰

اطلاعیه‌های هفته اخیر

صفحه ۱۱



بخش‌های مختلف جامعه نگاهی می‌اندازیم، شاهد حضور میدانی هزاران کارگر و بازنشسته و پرستار و دیگر بخش‌های مختلف معترض جامعه بر سر معیشت هستیم که به خیابان گرما بخشیده‌اند. جامعه‌ای که از هر گوشه آن اعتراض شعله می‌کشد. از جمله رقص مختلط زن و مرد در کف خیابان به مناسبت جشن آغاز سال جدید میلادی را در همین هفته داشتیم که صحنه زیبایی از شکستن بساط آپارتاید جنسی. حاکم را به نمایش گذاشت. ما همچنین شاهد ادامه پرقدردت سه‌شنبه‌های نه به اعدام هستیم که دامنه‌اش به ۲۸ زندان کشیده شده و اعضای این کارزار در آخرین پیام خود در هفته چهل و نهم بار دیگر بر اتحاد و همبستگی برای خشکاندن ریشه اعدام و ساختن سرزمینی عاری از خشونت و اعدام تأکید کردند.

نگاهی به این تصویر از شرایط آماده جامعه برای رفتن به سوی اعتصابات سراسری، به‌ویژه در نفت حکایت می‌کند. از فراهم بودن شرایط برای اعتصابات همراه با تجمعات و تدارک بزرگ‌ترین تجمعات اعتراضی از سوی بخش‌های مختلف بازنشستگان، پرستاران و دیگر بخش‌های معترض که همین امروز در می‌دانند حکایت می‌کند. از همین رو امروز اتحاد فعالین و اکتیویست‌های کارگری و اجتماعی بر سر خواست‌های رادیکال و سراسری و ایجاد شوراهای هماهنگی اعتراضی در بخش‌های مختلف مبارزاتی با بهره‌گیری از تجربیاتی چون شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان بسیار بسیار ضروری و حیاتی است. سقوط اقتصادی حکومت، بیانگر فلج و سقوط حتمی کل حاکمیت است و جامعه به سوی آن خیز برداشته و تداوم انقلاب زن زندگی آزادی را فریاد می‌زند. زنده باد انقلاب.\*

گرانی، سقوط ریال  
سقوط اقتصاد جمهوری اسلامی  
از صفحه نخست



بعلاوه بحران انرژی و برق نیز همچنان ادامه دارد و به دردی بی‌علاج برای حکومت تبدیل شده است. هر روز اخبار بیشتری از بیکارسازی‌ها شنیده می‌شود. بحرانی که به گفته خودشان سونامی‌ای از بیکارسازی را در پیش دارد. در کنار همه اینها مازوت‌سوزی نیز همچنان در جریان است و با تعطیلی متوالی مدارس، دانشگاه‌ها و مدارس روبرویم.

در برابر این شرایط مردم که سیر فروپاشی حکومت و در هم پاشیدگی صفوف رژیم و موقعیت تضعیف شده و شکست‌خورده‌اش را در منطقه می‌بینند، با اعتمادبه‌نفس و قدرت بیشتری به میدان آمده و یک تأکید مهم مبارزاتشان بر اتحاد و همبستگی است. یک نمونه آن تجمع بازنشستگان نفت در این هفته در اهواز است که با فریاد "اتحاد اتحاد" بخش‌های مختلف نفت را به مبارزه متحدانه و سراسری فرامی‌خواندند. نمونه دیگری تأکید بر حق تشکل و اعتراض در مبارزات بخش‌های مختلف جامعه از جمله در مبارزات کارگران نفت و بازنشستگان است. و بالاخره تأکید بر آزادی زندانیان سیاسی در تجمعات بازنشستگان و در کف خیابان است. در ادامه چنین اعتراضاتی است که بخش‌های مختلف بازنشستگان در کرمانشاه برای شانزدهم دی‌ماه برای تجمعی مشترک و بزرگ فراخوان داده‌اند که می‌تواند الگویی در سطح سراسری باشد.

بدین ترتیب وقتی به اعتراضات همین دو هفته اخیر از سوی کارگران و

## اعدام شما را نجات نخواهد داد!

چهل سال است که مدام کشته‌اید و اعدام کرده‌اید. چهل سال است که عزیزان بسیاری را با بی‌رحمی از ما مردم گرفته‌اید. اما چه حاصلی جز فوران خشم ده‌ها میلیونی مردم داغ‌دیده و دادخواه را درو کردید؟ اعتراض و تجمع و اعتصابات از همه‌جا می‌جوشد. کارگران و پرستاران و بازنشستگان و دانشجویان و کشاورزان و دانش‌آموزان بیش‌ازپیش بر سر شما فریاد می‌زنند و تحقیرتان می‌کنند. گشت ارشادتان در برابر زنان جسور و آزاده دود شد. حجاب اجباری‌تان جلو چشمانتان زیر پا له شد. فریاد سرنگونی از همه‌جا حتی در درون زندان‌ها طنین‌انداز است. گسترده از قبل پیاپی می‌خیزیم! دست‌به‌دست هم می‌دهیم! ماشین اعدام را در هم می‌کوبیم و عزیزانمان را آزاد می‌کنیم و بر سر دست بلند می‌کنیم! زن زندگی آزادی! نابود باد حکومت

اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران

## دوران گذار و سیاست حزب



حمید تقوایی

معمولاً از سرنگونی حکومت‌ها در اثر انقلاب تا استقرار و تثبیت حکومت تازه فاصله زمانی ای هست که دوره گذار نامیده می‌شود. به احتمال زیاد بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی هم چنین دوره‌ای خواهیم داشت. غالباً گفته می‌شود دوره گذار به منظور تدوین و تصویب قانون

اساسی و تعیین شکل و نام نظام آتی و انتخابات و ترکیب دولت و غیره لازم است، اما به نظر من اساس قضیه این نیست. دوره گذار نه صرفاً از نظر تدارکات قانونی و دیپلماتیک و انتخاباتی بلکه فراتر از آن از نظر اجتماعی و توازن قوا در جامعه ضرورت پیدا می‌کند. دوره گذار دوره ایست که جامعه انقلابی خواهان تحقق اهداف و شعارهای انقلابی خود است و هر حزب و نیروی سیاسی را بر این مبنای سنجد و ارزیابی می‌کند. دوره گذار دوره عبور از حرکت سلبی جامعه برای به زیر کشیدن یک حکومت، به حرکت اثباتی برای تحقق خواست‌ها و اهداف انقلاب و ساختن آینده است. این دوره مبارزه برای آینده است. از این رو بعد از سرنگونی حکومت تفاوت میان احزاب و نیروهای سیاسی دیگر نه بر اساس نقش آنها در سرنگونی، بلکه بر اساس برنامه اثباتی آنها برجسته و تعیین کننده می‌گردد و در صحنه سیاست برجسته می‌شود.

روشن است که سهم و نقش و نفوذ اجتماعی هر نیروی در دوره گذار مستقیماً وابسته است به نقش و جایگاهش در روند سرنگونی جمهوری اسلامی. هر حزب و نیروی هر اندازه در روند پیشبرد و به پیروزی رساندن انقلاب نقش مؤثرتری داشته باشد، به همان میزان نقش پررنگ‌تری در شکل دادن به آینده خواهد داشت. ممکن است دولت تازه از یک حزب و نیروی سیاسی معین تشکیل گردد، که این در حالی است که در روند انقلاب حزب و نیروی معینی به نیروی اصلی مورد اعتماد و نماینده خواست‌های انقلابی مردم تبدیل شده باشد. احتمال دیگر این است که دولت تازه متشکل از ترکیبی از احزاب و نیروها و گرایش‌های سیاسی مختلف باشد. در این صورت ممکن است در دوره گذار حزب و نیروی بتواند اعتماد مردم را جلب کند و به نیروی اصلی در حکومت تبدیل بشود. اولویت و تلاش حزب ما این است که در روند انقلاب به نماینده و نیروی مورد اعتماد و متحدکننده بخش هرچه وسیع‌تری از جامعه حول اهداف انسانی و رادیکال تبدیل بشویم و بلافاصله بعد از سرنگونی حکومت اهداف و خواست‌های اساسی انقلاب، که به شکل جامعی در برنامه یک‌دنیای بهتر مطرح شده، را به عنوان قانون جامعه اعلام داریم.

ولی در حال، ما در قدرت باشیم و یا هر حزب و نیروی دیگر و یا ائتلافی از احزاب و نیروها، هدف سیاست‌ها و عملکرد حزب ما این خواهد بود که اولاً از نظر مضمون سیاست‌ها و مواضع حکومت تازه، اهداف انقلاب و خواست‌های برحق و انسانی مردم به وسیله دولت تازه نمایندگی و عملی بشود. و ثانیاً از نظر شکل حکومت، قدرت در دست خود مردم، تشکل‌های توده‌ای که در طی انقلاب شکل گرفته و یا به دنبال سرنگونی وسیعاً می‌تواند تشکیل شود، قرار بگیرد. ما در برنامه یک‌دنیای بهتر "دولت در دست خود مردم" را تعریف کرده‌ایم: ما خواهان یک سیستم شورایی هستیم. سیستمی که توده مردم در تشکل‌های خود بتوانند به عنوان ارگان‌های اداره امور ظاهر بشوند. امروز تشکل‌ها و شبکه‌های اعتراضی و مبارزاتی گسترده‌ای تشکیل شده‌اند، این تشکل‌ها می‌توانند مبنای وزین‌ساز تشکل‌های حکومتی باشند.

از نظر ما، مستقل از شکل و ترکیب دولت در دوره گذار، مردم باید تا رسیدن به خواست‌های انسانی که در شعار زن زندگی آزادی متجلی است، یعنی تارفع همه تبعیضات و نابرابری‌ها و بی‌حقوقی‌های سیاسی و مدنی، نفی هر شکلی از دیکتاتوری و اختناق و دولت مافوق مردم، و از میان برخاستن فقر و بی‌تامینی اقتصادی، از پای نشینند و به اعتراض و مبارزه ادامه بدهند. ممکن است تحقق همه این خواست‌ها - مثلاً تدوین آنها در قالب قانون اساسی و یا تأمین کامل رفاه اقتصادی - فوراً ممکن نباشد ولی دولت تازه باید به آنها متعهد شود. ضامن این امر این است که مردم انقلابی بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی همچنان در میدان و پیگیر خواست‌هایشان باشند.

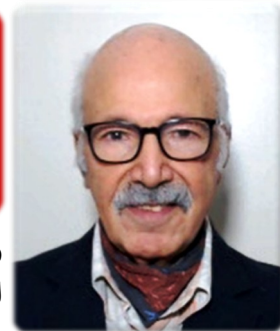
یک خصوصیت دوران گذار وجود نوعی آزادی‌های عملی و دوفاکتو است. اینکه دولت هنوز مستقر نشده به این معنی هم هست که دولت توان کنترل و سرکوب را ندارد. نمی‌تواند مردم را از خیابان‌ها جمع کند. جامعه از این شرایط باز سیاسی که در واقع دستاورد انقلاب است استفاده می‌کند و دولت تازه به قدرت رسیده را تحت فشار انتظارات و توقعات انقلابی خود قرار می‌دهد. همین امروز مردم می‌گویند اعدام باید ممنوع شود، خواستار برابری کامل زن و مرد هستند، می‌خواهند دست مذهب از قوانین و از دولت کوتاه شود، خواهان آزادی عقیده و بیان و تشکل و تحزب و اعتراض هستند و غیره و غیره. هر نیروی بر اثر انقلاب به قدرت برسد ناگزیر است به این خواست‌ها تمکین کند. اگر چنین نکند انقلاب او را جارو خواهد کرد. تمکین به این خواست‌ها به نوبه خود یعنی باز کردن فضای بیشتر برای دخالت مستقیم مردم و عرض اندام جامعه برای تحقق خواست‌های انسانی‌اش.

حزب ما چه در قدرت باشد و چه نباشد در جهت تحقق همه خواست‌ها و اهداف انسانی انقلاب فعالیت می‌کند. ما در حال با استفاده از آزادی‌های عملی ایجاد شده بعد از سرنگونی تلاش خواهیم کرد تا خواست‌های مردم نظیر رفع تبعیض جنسیتی و برابر کامل زن و مرد، سکولار بودن دولت و قوانین، آزادی‌های سیاسی و مدنی، رفع شکاف و تبعیض طبقاتی بین دره فقر و کوه ثروت، تأمین و رفاه اقتصادی توده مردم، آزادی همه زندانیان سیاسی و ختم پدیده زندانی سیاسی، ممنوعیت اعدام از همان روز اول، از جمله منع اعدام حتی افرادی که از تخت افتاده‌اند مثل خامنه‌ای و دارودسته‌اش، و دیگر خواست‌های انقلاب ناظر بر سیاست و عملکرد دولت باشد.

اگر ما در قدرت باشیم همه این خواست‌ها را به قانون تبدیل می‌کنیم و اگر در قدرت نباشیم تلاش می‌کنیم تا با اتکا به قدرت مردم تحقق این خواست‌ها به سیاست دولت تبدیل شود. مشروح این خواست‌ها فی‌الحال در برنامه حزب، برنامه یک‌دنیای بهتر، مطرح شده است. بخشی از آنها هم در شعارها و منشورهای انقلاب زن زندگی آزادی، مثل منشور ۱۲ ماده‌ای ۲۰ تشکل صنفی و مدنی تحت نام منشور مطالبات حداقلی، اعلام شده است. ما تلاش می‌کنیم این اهداف را متحقق کنیم و مردم را حول این خواست‌ها متشکل کنیم و متشکل نگهداریم.

وجه دیگر تلاش ما این خواهد بود که بعد از جمهوری اسلامی فضای دموکراتیک و امنی برای فعالیت همه احزاب و نیروها و تشکل‌های سیاسی وجود داشته باشد. ما در آبان ۱۴۰۱ سندی را تحت نام میثاق منتشر کردیم و از همه احزاب و نیروهای سیاسی دعوت کردیم که به منظور تضمین "موازین و اصول فعالیت سیاسی و

## سرنگونی حکومت و آینده جامعه



کازم نیکخواه

فضای جامعه ایران این روزها در حالی از امید و خوش بینی، همراه با ابهام و سؤال به سر می برد. بعد از سرنگونی بشار اسد و مرگ حسن نصرالله و هنیه و ضربات پی در پی که حکومت اسلامی در منطقه خورده و باتوجه به درهم ریختگی صفوف حکومت و روحیه بالای مردم در برابر حکومت، و شکست ها و عقب نشینی های آشکارش در برابر مردم، رفتن حکومت اسلامی فرض است. مردم می گویند حکومت باید برود و خواهد رفت. اما بعد از آن چه می شود؟ در پاسخ به این سؤال جواب های مختلفی می شنویم. خود وابستگان و مبلغان آشکار و پنهان حکومت از دو خردادی ها تا اصول گرایان هم فعالانه خود را به این بحث می زنند و تلاششان این است که ثابت کنند اوضاع بدتر خواهد شد، سناریوی سیاه خواهد شد و همه چیز به هم خواهد ریخت و امثال اینها. نمی توانند مستقیماً از خامنه ای و حکومت کثیفشان دفاع کنند، تلاش و تقلا می کنند که فضای یأس و نگرانی را دامن بزنند و مردم را از انقلاب و سرنگونی بترسانند. قبلاً می گفتند ایران سوریه می شود. اشاره شان به انقلاب به خون کشیده شده سال ۲۰۱۱ سوریه بود. الان که بشار اسد سرنگون شده، سعی می کنند هم اوضاع سوریه را به هم بزنند و مانع این شوند که مردم آن کشور به حاکمین جدید فشار بیاورند که فضای قابل تحمل تری ایجاد شود، هم در داخل کشور روی ابهام ها سوار شوند و تبلیغ می کنند که اگر حکومت اسلامی سرنگون شود اوضاع از سوریه بدتر می شود! اما این تقلاها نیز کمکی به بقای حکومت نخواهد کرد.

حقیقت این است که جمهوری اسلامی باید برود و مردم آن را به زیر خواهند کشید. راهی برای مردم جز سرنگونی این حکومت باقی نمانده است. برای دستیابی حتی به حداقل های زندگی، برای دستیابی به حداقل معیشت و رفاه، به حداقل آزادی، به حداقل امنیت و آسودگی، باید این حکومت متحجر و جنایت کار و فاسد و اختلاسگر را سرنگون کرد.

من اینجا می خواهم با اطمینان بگویم که با سرنگونی این حکومت اوضاع جامعه به طور قطع متحول خواهد شد و تحولات و بهبودهای اساسی خواهد یافت. نباید ذره ای به تبلیغات منفی و نومیدکننده میدان داد. خطرات همیشه وجود دارند. اما ما انسانیم و زندگی انسانی می خواهیم و تا دستیابی به جامعه ای آزاد و انسانی به جدال خود ادامه می دهیم. ما به هیچ قیمتی به جهنم جمهوری اسلامی رضایت نمی دهیم و نباید بدهیم. اطمینان من از این حقیقت روشن ناشی می شود که جامعه ایران یک جامعه آگاه و روشن و رزمنده است و طی چهل سال مبارزه و جدال با کثیف ترین و مرتجع ترین نیروی تاریخ بشری، تجربیات و آگاهی های گسترده ای به دست آورده است. در این جامعه جنبش وسیع دفاع از برابری زن و مرد قدرتمند است. جنبش دفاع از آزادی های سیاسی، آزادی احزاب و آزادی زندانیان سیاسی عمیق و قدرتمند است. جنبش ضد اعدام بسیار گسترده و قدرتمند است. جنبش شهروندی و دفاع از وابستگان به اقوام و ملیت ها و مذاهب مختلف، آگاه و قدرتمند است. حقوق کودک در این جامعه وسیعاً مورد توجه و احترام است. حقوق معلولین، منزلت و احترام بازنشستگان و جایگاه زنان و ارزش های برابری طلبانه و انسان دوستانه بسیار اجتماعی و قدرتمند است. اینها بر متن

جنبش ها و مبارزات گسترده و وجود احزاب و سازمان های سیاسی پیشرو به دست آمده است.

در تأیید این ادعاها می توان به فاکت ها و حقایق بسیاری استناد کرد. شاید ما مردم خود به قول معروف "وسط جنگ، درخت ها را نمی بینیم". شاید با مشاهده چند مورد ناهنجاری، نمی بینیم که چقدر جلو آمده ایم، چقدر آبدیده شده ایم، چقدر سرمایه اجتماعی داریم و چقدر تحول اساسی پیدا کرده ایم. این تنها "خدمت" حکومت جنایت کار جمهوری اسلامی است که باعث شده است ما مردم جدالی گسترده و دائمی در مقابل آن به جریان بیندازیم و در تقابل با عقب ماندگی و توحش و زذالت بی حدومرز این حکومت، از ارزش های کاملاً متضاد با آن، از ارزش های "پیشرو و زیبای انسانی هر روز با چنگ و دندان دفاع کنیم و آگاه تر و سازمان یافته تر و همبسته تر شویم. یک هزارم این آگاهی را در دوره انقلاب ۵۷ نداشتیم. یک هزارم این سازمان یابی را نداشتیم. یک هزارم این همبستگی اجتماعی و عمومی را نداشتیم. و یک هزارم این نوع دوستی و انسان دوستی را نداشتیم. از گورستان آریامهری، از سکوت گورستانی آریامهری بیرون زدیم و انقلاب کردیم و توانستیم حکومت تا دندان مسلح و متکی به ساواک و سرکوب و قدرت آمریکا را سرنگون کنیم و علی رغم کمبودها و ضعف هایمان کارهای عظیم و باورنکردنی ای انجام دادیم که یک قلمش شکستن خفقان گورستانی و برپا کردن شوراهای مردمی در سراسر جامعه بود. اما ما مردم کمبود و ابهام زیاد داشتیم، و همان کمبودها باعث شد که نتوانیم در برابر تهاجم نیروهای اسلامی به رهبری خمینی محکم تر بایستیم و از آزادی هایمان با قدرت دفاع کنیم. امروز اما ما یک دنیا تجربه و توان و آگاهی داریم، و می توانیم با هوشیاری، با اتکا به رهبران و تشکل ها و احزاب پیشرو و کمونیستمان، با اتکا به سرمایه عظیم اجتماعی مان توطئه ها را کنار بزنیم و دنیای شادتر و امن تر و آزادتری را بنا نهیم. در این هیچ تردیدی نباید داشت.

بعضی ها وجود احزاب و جریانات مختلف را نشانه ضعف می دانند. این هم واقعی نیست. همیشه در جامعه جریانات چپ و راست، مرتجع و رادیکال، مدافع کارگر و یا سرمایه داران وجود خواهند داشت. همیشه گرایشات مختلف و متضاد و احزاب و سازمان های متعدد و مخالف وجود دارند. این نشانه ضعف نیست. این نشانه این واقعیت است که جامعه طبقاتی است و طبقات مختلف گرایشات مختلف را جلو می رانند. جریانات و تشکل های راست و چپ بازتاب وجود منافع و مصالح طبقاتی مختلف و متضاد هستند. تکلیف اینکه کدام جریان در رأس جامعه قرار گیرد را مردم، کارگران، معلمان، پرستاران، دانشجویان و کارکنان ادارات و اکثریت عظیم جامعه تعیین خواهند کرد. ساده انگاری است که فکر کنیم اول احزاب باید متحد یا یکی شوند یا ائتلاف کنند و بعد می شود انقلاب کرد. اتحاد و نزدیکی احزاب و جریانات مختلف در مقاطعی از مبارزه و تحولات سیاسی معنی دارد و بر اساس نقطه اشتراکات مقطعی که پیش می آید می توان شاهد درجه ای از اتحاد در مبارزه با حکومت، میان برخی احزاب نیز بود. اما جریانات و احزاب و نیروهایی که می خواهند به فرض نظام سلطنتی را به جامعه بازگردانند، یا تحت هر نام دیگری می خواهند سیستم سرمایه داری را حفظ کنند و حداکثر آخوندها را کنار بزنند، مشکلی با فقر و نابرابری که دامن کارگران و اکثریت مردم را گرفته ندارند. اینها هر طرح و سیاستی در پیش بگیرند در نهایت در

## نقش کارتر و سرنگونی حکومت پهلوی سؤال از حسن صالحی



**انترناسیونال:** بعد از مرگ جیمی کارتر رئیس‌جمهور پیشین آمریکا این روزها بحث‌های زیادی در باره نقش وی در سرنگونی حکومت پهلوی مطرح شده است. ارزیابی شما از رویکرد کارتر نسبت به انقلاب ۵۷ و حکومت پهلوی چیست؟

**حسن صالحی:** واقعیت این است که سلطنت‌طلبان به دلیل سرنگون شدن دیکتاتوری پهلوی در اثر انقلاب ۵۷ به دنبال این هستند که این انقلاب اصیل مردمی را خدشه‌دار کنند و آن را تحویلی ناشی از فتنه برانگیزی دولت آمریکا و انگلیس و از جمله ضدیت کارتر با محمدرضا پهلوی معرفی کنند. این موضع عیناً شبیه رفتار خامنه‌ای و جمهوری اسلامی است که خیزش انقلابی مردم در ادوار مختلف مثل سال‌های ۸۸، ۹۶، ۹۸ و یا ۱۴۰۱ را کار سی‌آی‌ای و یا موساد و "فتنه برانگیزی" دولت‌های غربی می‌داند. جمهوری اسلامی با این زبان درباره خیزش‌های انقلابی صحبت می‌کند چون می‌خواهد توجیهی برای سرکوب خونین آنها دست‌وپا کند. نیروی سلطنت‌طلب نیز چون از قدرت خلع شده است می‌خواهد با این توجیهات بگوید که "آشوبگران" سال ۵۷ یعنی همان مردم کوچه و خیابان مستحق بی‌رحمانه‌ترین سرکوب‌ها توسط ارتش شاهنشاهی از طریق کودتا بودند که گویا آمریکایی‌ها از آن جلوگیری کرده‌اند.

از نظر مردمی که خالق انقلاب ۵۷ بودند این انقلاب، انقلابی بود برای نه گفتن به رژیم سلطنت که بر شالوده نابرابری و سرکوب و تحقیر بنا شده بود. انقلابی بود علیه دیکتاتوری پهلوی که با ساواک و شکنجه

شناخته می‌شد. مردم انقلاب کردند چون خواهان آزادی و عدالت و حرمت انسانی بودند. این انقلاب ربطی به "فتنه برانگیزی" این دولت و آن دولت "بیگانه" نداشت بلکه سرچشمه آن اوضاع سیاسی و اجتماعی و اقتصادی حاکم بر ایران آن زمان بود. همانطور که انقلاب زن‌زندگی آزادی، بر خلاف تبلیغات موهن جمهوری اسلامی، ناشی از استبداد مذهبی و بی‌حقوقی مطلق مردم ایران و در اعتراض به شرایط غیرقابل تحمل کار و زندگی در شرایط کنونی است. دیکتاتورها و طرف‌داران نظام‌های دیکتاتوری سر خود را در زیر برف می‌کنند تا این حقایق را نبینند و مایل‌اند به هر ترتیب ضرورت وجودی نظام‌های ستمگرانه خود را توجیه کنند. ولی همین خودفروبی‌هاست که کمک بیشتری به سقوط حتمی آنها خواهد کرد.

تا آنجا که به آمریکا بر می‌گردد دولت آمریکا همواره حامی رژیم پهلوی بود. این رابطه البته دوطرفه بود. بنا به اسناد و شواهد غیرقابل انکار دولت آمریکا و دستگاه اطلاعاتی دول آمریکا و انگلیس با نقش‌آفرینی در کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ به کمک محمدرضا پهلوی شتافتند و حکومت مصدق را سرنگون کردند. این را خودشان هم اعتراف کرده‌اند. کارتر حتی دردی ماه ۱۳۵۶ یعنی زمانی که زرمه‌های انقلاب ۵۷ ایران به گوش

می‌رسید ایران را "جزیره ثبات" نامید. شاه ایران نقش ژاندارم منطقه را ایفا می‌کرد و آمریکا نمی‌خواست که این موقعیت شاه که منافع آمریکا را نیز تأمین می‌نمود، به خطر بیفتد. اما رویداد مهمی که اتفاق افتاد حرکت مردمی بود که علیه سلطنت دست به انقلاب زدند. انقلاب و روند پیشروی آن موازنه را به ضرر شاه تغییر داد. تحولات اجتماعی الزاماً بنا به خواست و میل بالایی‌ها رقم نمی‌خورد و ما بارها در تاریخ دیده‌ایم که خیزش‌های مردمی و انقلاب‌ها، بالایی‌ها را مجبور به اتخاذ سیاست‌هایی کرده است که بر خلاف میل باطنی آنها بوده است. انقلاب ۵۷ هم همین‌طور بود. زمانی که با اعتراض و تظاهرات وسیع و میلیونی مردم مسجل شد که حکومت شاه امکان تداوم ندارد، رؤسای چهار دولت آمریکا، انگلستان، فرانسه و آلمان غربی در کنفرانس موسوم به "گودالوپ" به چاره‌اندیشی برای جایگزینی شاه پرداختند. به دنبال این کنفرانس، ژنرال هایزر آمریکایی به ایران سفر کرد. وی در جریان سفر خود که تقریباً یک ماه به طول انجامید با شاه و مقامات بلندپایه ارتش دیدار کرد. تصمیم بر این بود که شاه، ایران را ترک کند و قدرت به بختیار واگذار شود. همزمان با گرفتن رأی اعتماد در مجلس ایران، محمدرضا پهلوی به تاریخ ۲۶ دی ۱۳۵۷ از ایران رفت. هایزر در دیدار با برخی از مقامات

بلندپایه ارتش سعی کرد که آنها را پس از رفتن شاه از اقدام به کودتای نظامی بر حذر دارد. معلوم بود که با شتاب انقلاب، آلترناتیو بختیار به جایی نخواهد رسید و از پیش گزینه‌های دیگری فعال شده بودند. تمام نگرانی دول غربی از این بود که با انقلاب قدرت به دست چپ‌ها و کمونیست‌ها بیفتد و در این وسط اتحاد جماهیر



شوروی میدان‌دار شود. منصور حکمت در مقاله "تاریخ شکست نخوردگان - چند کلمه به یاد انقلاب ۵۷" اوضاع آن زمان را چنین توصیف می‌کند: "جریان اسلامی را همان نیروهایی به جلوی صحنه انقلاب ۵۷ کشیدند که تا دیروز زیر بغل رژیم شاه را گرفته بودند و ساواکش را تعلیم می‌دادند. آنها که پتانسیل رادیکالیزاسیون و دست چپی از آب در آمدن انقلاب ایران را می‌شناختند و از اعتصاب کارگران صنعت نفت درس خود را گرفته بودند. آنها که به یک کمربند سبز در کشوقوس‌های جنگ سرد نیاز داشتند. برای "اسلامی" شدن انقلاب ایران پول خرج شد، طرح ریخته شد، جلسه گرفته شد. هزاران نفر، از دیپلمات‌ها و مستشاران نظامی غربی تا ژورنالیست‌های همیشه باسرف دنیای دموکراسی ماه‌ها عرق ریختند تا از یک سنت عقب‌مانده، حاشیه‌ای، کپک‌زده و به انزوا کشیده شده در تاریخ سیاسی ایران، یک "رهبری انقلاب" و یک آلترناتیو حکومتی برای جامعه شهری و تازه - صنعتی ایران سال ۵۷ بسازند. آقای خمینی نه از نجف و قم و در رأس خیل ملاهای خرسوار دهات سر راه، بلکه از پاریس آمد و با پرواز انقلاب. انقلاب ۵۷ تجسم اعتراض اصیل مردم

## دوران گذار و سیاست حزب

از صفحه ۳

مدنی و صنفی آزادانه و دموکراتیک بلافاصله بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی، برای جلوگیری از بازگشت دیکتاتوری در اشکالی دیگر، و به منظور ایجاد شرایطی که مردم بتوانند نظام آتی مطلوب خود را آزادانه و آگاهانه انتخاب کنند" به موازینی مانند آزادی فوری همه زندانیان سیاسی و ممنوعیت ایجاد هر نوع محدودیتی بر انتقاد و اعتراض و فعالیت سیاسی، ممنوعیت فوری مجازات اعدام، انحلال کلیه نیروها و نهادهای سرکوب و جاسوسی علیه مردم، تأمین آزادی بی قید و شرط تظاهرات و اعتراض و اعتصاب، به رسمیت شناسی حق تشکیل انواع سازمان‌های صنفی و مدنی، اتحادیه‌ها و شوراهای مستقل از دولت برای کارگران، معلمان، دانشجویان و دانش‌آموزان، کارکنان ادارات و به طور کلی همه مردم، تأمین آزادی بی قید و شرط بیان و اندیشه، آزادی رسانه‌ها، آزادی استفاده از مدیای اجتماعی و سایر آزادی‌های مدنی و سیاسی متعهد شوند.

ما خود را به رعایت این آزادی‌ها در دوره گذار، چه به عنوان نیروی در دولت و چه خارج از آن، متعهد و پایبند می‌دانیم، و امیدواریم و تلاش می‌کنیم احزاب و نیروهای سیاسی دیگر نیز چنین کنند. این موازین و اقدامات حداقل لازم برای ایجاد فضای سیاسی مساعد در جهت استقرار نظامی است که واقعاً بتواند خواست‌ها و آرمان‌های انقلابی مردم را نمایندگی و متحقق کند.

۱۴ دی ۱۴۰۳، ۲ ژانویه ۲۰۲۵

## سرنگونی حکومت و آینده جامعه

از صفحه ۴

جهت بر سر قدرت نگهداشتن طبقه بی‌خاصیت و مفت‌خور سرمایه‌دار است. و جریاناتی که مشکلی با فقر و نابرابری طبقاتی اکثریت مردم ندارند، در تحلیل نهایی با دیکتاتوری و زندان و سرکوب و مذهب هم مشکلی ندارند. این را تجربه دیکتاتوری‌های سلطنتی و غیر سلطنتی در ایران و کشورهای دیگر به روشنی نشان می‌دهد.

اما در برابر، حزبی مثل حزب کمونیست کارگری از جامعه‌ای انسانی و آزاد و برابر دفاع می‌کند. از نظر ما پاسخ به خواست‌های اکثریت کارکن و زحمت‌کش جامعه جز با دفاع از جامعه‌ای انسانی، جامعه‌ای آزاد و برابر و سوسیالیستی و بدون سلطه سرمایه‌داران و مافیای سرمایه‌داری ممکن نیست. جامعه‌ای که یک اقلیت مفت‌خور سرمایه‌دار همچنان تصمیم‌گیرنده و اختیاردار آن باشند باز هم اسپر دیکتاتوری و عقب‌ماندگی و توطئه‌گری و فقر و نابرابری خواهد شد. ما از آزادی‌های بدون قید و شرط سیاسی، آزادی همه احزاب و آزادی بی قید و شرط بیان دفاع می‌کنیم. تنها در این شرایط است که مردم می‌توانند احزاب و جریانات و مصالح خود را به خوبی بشناسند و تصمیمات درست اتخاذ کنند. هیچ راه گریزی از این نیست. در این رابطه بحث‌های مفصل‌تری لازم است و در نوشته‌های بعدی امیدوارم بتوانیم این بحث‌ها را با جزئیات بیشتری طرح کنیم و جایگاه جریانات مختلف را روشن‌تر نشان دهیم.

به هر رو همه ما که می‌خواهیم با سرنگونی جمهوری اسلامی، جامعه به مسیر انسانی و آزاد و برابر وارد شود و مردم از جهنم فقر و سرکوب و اعدام و تحجر مذهبی و نابرابری‌ها خلاص شوند، باید این ایده‌هایمان را وسیعاً به درون جامعه ببریم و با گذاشتن یک چشم‌انداز روشن و عملی در برابر جامعه، صف متحدتری را برای پیشبرد مبارزه و انقلاب آتی شکل دهیم.\*

## نقش کارتر و سرنگونی حکومت پهلوی

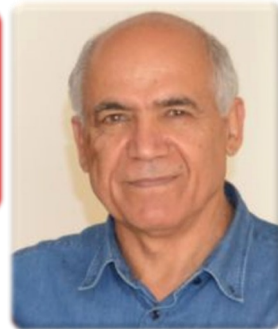
از صفحه ۵

محروم ایران بود، اما "انقلاب اسلامی" و رژیم اسلامی محصول جنگ سرد بود، محصول مدرن‌ترین معادله سیاسی جهان آن روز. معماران این رژیم، استراتژیست‌ها و سیاست‌گذاران قدرت‌های غربی بودند. همان‌ها که امروز از درون لجنزار نسبی گراپی فرهنگی، هیولای مخلوق خودشان را به عنوان محصول طبیعی "جامعه شرقی و اسلامی" و درخور مردم "جهان اسلام" یکبار دیگر مشروعیت می‌بخشند. کل امکانات اقتصادی و سیاسی و تبلیغاتی غرب برای ماه‌ها قبل و بعد از بهمین ۵۷ برای به کرسی نشاندن این رژیم و سرپا نگاه داشتن آن بسیج شد"

دولت آمریکا روی ضدیت آلترناتیو اسلامی با چپ‌ها و کمونیست‌ها و پتانسیل ارتجاع اسلامی برای سرکوب انقلاب حساب باز کرده بود. باین حال روی آوری آنها به اسلامی‌ها و جلو انداختن این جریان ارتجاعی و سیاه‌الزاماً مطلوب‌ترین انتخاب آنها نبود. دولت آمریکا به شاه پشت نکرد. این انقلاب بود که شاه را از مسند قدرت به زیر کشید. آمریکا و خود شاه در واقع تسلیم اراده مردم شدند. شاه با انقلاب مردم سرنگون شد ولی دول غربی و در رأس آن آمریکا با کمک جریانات ملی - اسلامی وطنی سعی کردند با توسل به ارتجاع اسلامی انقلاب و تمایلات انقلابی مردم را سرکوب کنند. به قول منصور حکمت: "در تاریخ واقعی ایران، ۳۰ خرداد به ۱۷ شهریور می‌چسبد و حلقه بعدی آن است. خمینی، بازگان، سنجابی، مدنی، فروهر، یزدی، بنی‌صدر، رجایی و بهشتی، نام‌هایی هستند که باید به دنبال محمدرضا پهلوی، آموزگار، شریف‌امامی، بختیار، اویسی، ازهاری و رحیمی آورده شوند، به عنوان مهره‌هایی که یکی پس از دیگری جلوی صحنه می‌آیند تا شاید راه انقلاب و اعتراض مردم را سد کنند. رژیم سلطنت و مهره‌های رنگارنگش در مقابل ضربات پی‌درپی جنبش اعتراضی شکست خوردند. حکومت اسلامی، در عوض، قادر شد فرصت بخرد، نیروی ارتجاع را بازسازی کند و انقلاب مردم را به خونین‌ترین شکل در هم بکوبد. دستور کار هر دور رژیم یک چیز بود.\*"

جمهوری  
اسلامی  
سرنگون  
باید گردد!

## انتخاب حزب یک ضرورت عاجل است!



اصغر کریمی

بحران‌ها یا ابربحران‌های حکومت علاج‌بردار نیست. جمهوری اسلامی قادر به حل و یا حتی تخفیف هیچکدام از این بحران‌ها نخواهد بود. نه برای بحران اقتصادی راه حلی دارد نه برای بحران سیاسی. نه توان جبران شکست‌های خود در منطقه را دارد نه توان مقابله با بی‌حجابی که رکن مهم ایدئولوژیک و سیاسی حکومت است، نه توان مقابله با اعتصابات رو به رشد را و نه توان مقابله با ریزش و تشدید شکاف در خود حکومت را که به دنبال این شکست‌ها هر روز ابعاد بیشتری به خود می‌گیرد. برای همه مردم و خود حکومتیان روشن است که این شکست‌ها و بحران‌ها در این نقطه نمی‌ماند و به صورت دومینو شکست‌ها و بحران‌های جدی‌تری را در پی دارد. از جمله عقب‌نشینی در مقابل سیاست ضد آمریکایی که یک رکن دیگر مهم سیاسی و ایدئولوژیک حکومت بوده است. و حکومت‌هایی که در سرانجامی قرار می‌گیرند هر عقب‌نشینی آنها اولاً بحران‌شان را عمیق‌تر می‌کند و ثانیاً مردم را بیشتر به صحنه می‌کشاند. اینها امروز به بدیهیات تبدیل شده است و تعیین تکلیف نهایی با جمهوری اسلامی به مساله روز جامعه تبدیل شده است. سوال اینجا است که طبقه کارگر در چنین شرایطی چه نقشی باید ایفا کند و چه نقشی می‌تواند ایفا کند. در این نوشته سعی می‌کنم به جوانبی از این مساله بپردازم.

سرنوشت آینده ایران را نهایتاً چپ یا راست تعیین خواهد کرد. انتخاب‌ها دارد صورت می‌گیرد. جریان راست در صورت فرضی کسب قدرت تمام تلاشش را می‌کند که صرفاً تغییراتی روبنایی صورت گیرد و به بنیادهای نظام سرمایه‌داری، استثمار و نیروهای سرکوب و مذهب دست نخورد. این نیروها طیف متنوعی از سلطنت‌طلب و جمهوریخواه، ملی اسلامی، لیبرال‌ها، ناسیونالیست‌ها و جریان‌های اسلامی و نیمه‌اسلامی را شامل می‌شود که هر کدام متناسب با قد و قواره خود در تلاش برای ایفای نقش و زدن مهر خود بر تحولات هستند.

این چیزی نیست که کارگران و اکثر مردمی که با اعتصاب و اعتراض و خیزش‌های سال‌های اخیر ضریات محکمی به حکومت زده و همچنان فضای جامعه را داغ نگه داشته‌اند، بخواهند. اکثریت مردمی که نیروی اصلی تحولات را شکل می‌دهند نه حفظ سپاه و هیچ ارگان سرکوب دیگری را می‌خواهند نه حاضرند کوچکترین امتیازی به اسلام و یا جناح‌های مختلف حکومت بدهند. این مردم همچنان که در شعارها، بیانیه‌ها و خیزش‌هایشان نشان داده‌اند به چیزی کمتر از سرنگونی کل دم و دستگاه سرکوب و مذهب و مفتخوری و تبعیض و نابرابری و ریاضت اقتصادی رضایت نخواهند داد. اما ملزومات چنین تحول عمیقی در جامعه چیست؟ اینجا می‌خواهم به یکی از مهمترین نیازهای این تحول بپردازم و آن یک حزب سیاسی کمونیستی قدرتمند و اجتماعی است.

کارگران بدون داشتن چنین حزبی قادر به ایفای نقش سیاسی در فضای جاری در جامعه و کسب قدرت سیاسی یا حداقل داشتن وزنه‌ای موثر در مراحل انتقالی قدرت نخواهند بود. طبقه کارگر باید در تحولات جاری حضور متشکل و قدرتمندی داشته باشد تا بتواند قدرت سیاسی را بگیرد و این نظام را از بنیاد عوض کند و به استثمار و محرومیت، به فقر و نابرابری، به بی‌حقوقی و سرکوب و یک عمر مشقت پایان دهد. لازمه چنین تحولی کسب قدرت سیاسی است. و لازمه کسب قدرت سیاسی داشتن حزبی

قدرتمند است تا هم در تحولات جاری، در جریان سرنگونی و دوره گذار و هم در نظام بعدی بتواند سکندار اصلی جامعه شود و با نمایندگی کردن کل مردم ستمدیده، ریشه‌های همه بی‌حقوقی‌ها را از بین ببرد و همراه با همه مردم ستمدیده و با مشارکت همه شهروندان، که در انواع شوراها و سازمان‌ها و شبکه‌های خود متشکل شده‌اند، جامعه‌ای خوشبخت و انسانی برای همگان بنیاد نهد.

اما فقط جمهوری اسلامی نیست که در مقابل چنین حزبی ایستاده است. جمهوری اسلامی تمام ابزارهای سرکوبش را ۴۶ سال است به خدمت گرفته و احزاب و سازمان‌های چپ را از همان روز اول قدرت‌گیری‌اش سرکوب و ممنوع کرد، تا مانع پیوستن کارگران و مردم آزاده به حزب سیاسی مطلوب اکثریت جامعه بشود. حاکمیت جمهوری اسلامی و سرکوب و زندان اصلی‌ترین مانع مقابل هر نوع تشکیلی از جمله احزاب سیاسی مخالف است. اما طیف متنوعی از اپوزیسیون نیز به انحاء مختلف علیه چنین حزبی سمپاشی می‌کنند. طیف راست اپوزیسیون تمام بدبختی‌های جامعه را به کمونیست‌ها نسبت می‌دهد چون ذاتاً مخالف آرمان‌های برابری، لغو استثمار، لغو امتیازات طبقه حاکم و بی‌حقوقی است. تکلیف اینها روشن است اما کم نیستند در میان طیف چپی که معمولاً خود را با صفاتی مانند «منفرد» و «مستقل» معرفی می‌کنند و چنین موعظه می‌کنند که کارگران باید خودشان حزب درست کنند و اینرا ۴۶ سال است می‌گویند و حتی یک سانت نیز در این جهت پیشرفتی نکرده‌اند. اگر «منفرد» صفتی تحقیرآمیز و ضد هر نوع تشکل و متشکل شدنی است، «مستقل» دروغ و ریاکارانه است. مستقل از چه چیزی از چه جنبشی، از چه گرایشی؟ آدم منفرد غیر مستقل‌ترین موجود است و عملاً و دائماً میان گرایش‌ها و احزاب و جریان‌های مختلف نوسان می‌کند. و این مطلقاً قابل افتخار نیست. اینها اکثراً آدم‌های خوبی هستند، کارگر دوست هم هستند، اما به هر درجه و هر جا حضور دارند مانعی در مقابل متشکل شدن کارگران هستند و نقش‌شان این است که به سهم خود کارگر را از حضور در عرصه سیاسی دور کنند. سال ۵۷ کارگران فاقد حزب سیاسی خود بودند و جریان اسلامی و جریان‌های کپه‌زده‌ای مانند جبهه ملی و نهضت آزادی و در حاشیه آنها حزب توده میداندار شدند. کارگر به میدان آمد، نقش تعیین‌کننده‌ای هم در شکستن کمر حکومت داشت اما حزب خود را نداشت، برنامه و پرچم سیاسی خود را نداشت و در سطح سیاسی نمایندگی نشد و سرش بی‌کلاه ماند. آن دوران گذشت اما درس‌هایش را نباید فراموش کرد.

جمهوری اسلامی در موقعیت رقت‌باری گرفتار شده و دارد نفس‌های آخر را می‌کشد و اینبار کارگر می‌تواند و باید پرچم خود را بلند کند. باید خود را برای ایفای نقش سیاسی در جامعه، برای ایفای نقش در انقلابی که در آستانه آن هستیم، برای شکستن کمر این حکومت و تبدیل شدن به قدرت سیاسی آماده کند. باید آماده خیز برداشتن باشد. باید به یکی از بازیگران صحنه سیاست و به بازیگر اصلی تبدیل شود تا بتواند جامعه‌ای بدون استثمار و ظلم و نابرابری بسازد. اما برای اینکار حزب می‌خواهد. هزار تشکل صنفی محلی و سراسری هم که داشته باشد باز هم به حزبی نیاز دارد. و این حزب موجود است و تعداد قابل توجهی از فعالین کارگری سال‌ها است دارند در صفوف آن فعالیت می‌کنند و فعال و مشوق سازماندهی دیگران هستند. این حزب یعنی حزب کمونیست کارگری یک حزب کارگری

## انتخاب حزب یک ضرورت عاجل است!

از صفحه ۷

است و برای توده‌های وسیعی از کارگران و مردم نیز شناخته شده است. برنامه بسیار عمیق، غنی و روشنی به اسم «یک دنیای بهتر» دارد که پرچم مطالبات و آرزوهای کارگران و کل جامعه است و فی الحال برخی از مطالبات آن به پرچم بسیاری از مبارزات و جنبش‌های اجتماعی تبدیل شده است. بسیاری از فعالین حقوق زن، دانشجو، دانش آموز، خانواده دادخواه، خانواده‌های زندانیان سیاسی، ال‌جی‌بی‌تی کیو، نویسندگان و هنرمندان نیز عضو و فعال آن هستند و یا در بسیاری از فعالیت‌های شریکند و در زمینه‌های مختلف و در جنبش‌های مختلف دارند فعالیت می‌کنند و این یک نقطه قوت بسیار اساسی این حزب است.

طبقه کارگر نجات پیدا نمی‌کند اگر نتواند کل جامعه را نجات دهد و حزب طبقه کارگر نمی‌تواند در خواست‌ها و مبارزات سایر بخش‌های مردم تحت ستم شریک نباشد و حزب کارگر باشد. نمی‌تواند نقشی، نقشی اساسی، در جنبش‌های آزادیخواهانه نداشته باشد و دخالت روزمره در این جنبش‌ها نداشته باشد و ادعای کسب قدرت و نمایندگی کردن کارگران یا جامعه را نداشته باشد. باید پرچم مطالبات کل جامعه، از آزادی‌های سیاسی و لغو مجازات اعدام تا کوتاه کردن دست مذهب از جامعه، از پایان دادن به هر نوع ستم به زنان تا تحقق رفاه و عدالت برای همه مردم را بلند کند، علیه همه مشقاتی که نظام موجود به اکثریت عظیم مردم تحمیل کرده قد علم کند و تنها از این طریق و با کسب حمایت اقشار مختلف مردم می‌تواند رهبری انقلاب را به عهده بگیرد و قدرت خود را به کرسی بنشاند. تشکل‌های مختلف صنفی و عرصه‌ای به هر درجه شکل بگیرد کارگران و مردم را قدم‌های بزرگی به جلو سوق خواهد داد اما کسب قدرت بدون حزب سیاسی عملی نیست.

توصیه من به همه دوستان کارگری که در سال‌های متمادی در کوران مبارزات بی‌وقفه خود تجارب عمیقی کسب کرده‌اند این است که موعظه‌های دیگران علیه حزب کمونیست کارگری را به خودشان واگذار کنید. به آنها بگویید نمی‌خواهید اینبار نیز قدرت را به جنبش‌های طبقات دیگر واگذار کنید و عمری دیگر زیر استثمار و فقر و تبعیض و بی‌حقوقی کمرتان را خم کنید. بگویید حق دارید حزب سیاسی خودتان را داشته باشید همچنان که طبقات دارا علاوه بر دم و دستگاه حکومتی، انواع و

اقسام حزب و سازمان دارند. مساله قدرت سیاسی بار دیگر در جامعه باز شده است. حزب کمونیست کارگری حزب شما و همه مردمی است که آزادی و رفاه و عدالت می‌خواهند. حزب علیه اعدام و آزادی‌های بی‌قید و شرط سیاسی است، حزب ضد حجاب، دشمن مردسالاری و تبعیض علیه زنان است، حزب انقلاب زنانه است، حزب جوانان و فعالین انقلاب زن زندگی آزادی است، حزب دشمن مذهب و اسلام است، حزب جمع کردن بساط نیروهای مسلح و سرکوبگر است، حزب کوتاه کردن دست مفتخوران حاکم از سر جامعه است، حزب پایان دادن به بردگی مزدی و همه مشقات ناشی از آن است، حزب سازش ناپذیر در مقابل کل حکومت اسلامی است، حزبی است که در طول ۳۳ سال فعالیت خود همین اهداف را نمایندگی کرده و صدها کارزار جهانی در دفاع از مردم ایران سازمان داده است، حزب تلاش مستمر برای متحد کردن و هماهنگ کردن فعالین انقلاب زن زندگی آزادی است. حزبی است که بیشترین تلاش را برای هماهنگ کردن و متحد کردن فعالین انقلاب زن زندگی آزادی در دستور دارد. و دقیقاً به همین دلیل حزب شما کارگران است.

تجربه خونبار رژیم اسلامی اگر یک درس داشته باشد این است که کارگر به حزب سیاسی خود برای پایان دادن به همه مشقاتی که نسل اندر نسل متحمل شده است نیاز مبرم دارد. و بویژه الان شرایطی فراهم شده که کارگران خود را برای شرایط جدید آماده کنند. زمینه نه تنها به دلیل شکست‌های استراتژیک حکومت و تغییر توازن قوا بلکه همچنین به دلیل وجود طبقه کارگری بسیار عظیم، متفاوت از ۷۵ بسیار آگاه‌تر، پخته‌تر و مجرب‌تر و همین‌طور به دلیل ضعف تاریخی و بی‌سازمانی اپوزیسیون راست که هر روز ماهیت ارتجاعی‌اش را بیشتر نشان می‌دهد و در مقابل، وجود گرایش قدرتمند کمونیستی در جامعه و در میان کارگران و وجود حزب سیاسی قابل اتکایی مانند حزب کمونیست کارگری آماده است. فعالین کمونیست در چنین شرایطی باید با حوصله و با اعتماد به نفس این شرایط و ضرورت عاجل گرد آمدن حول اهداف و سیاست‌های حزب را به هر فعال کارگری، هر فعال سیاسی و هر فعال جنبش‌های اجتماعی که خواهان ریشه کن شدن ظلم و نابرابری، فقر و بی‌تامینی، سرکوب و بی‌حقوقی و پایان دادن به بساط اسلام و تاجر حاکم است توضیح دهند، فعالین را با حزب و سابقه و اهداف حزب آشنا کنند، ادبیات حزب و رسانه‌های حزب را در اختیار آنها قرار دهند و بدین‌طریق حزب را همه جا شکل بدهند. این یک نیاز عاجل برای انقلاب و تضمین آینده‌ای انسانی و در شان انسان امروز است.\*





## جمهوری اسلامی ۵ سال بعد از قاسم سلیمانی!



نسان نودینیان

اقتدار منطقه‌ای جمهوری اسلامی در منطقه خاورمیانه محو شد و "مکتب تحقق اسلام و قرآن" دفن شد.

ترکیه که همواره توسط بشار اسد و جمهور اسلامی در حاشیه معادلات منطقه‌ای قرار گرفته بود، به یکی از بازیگران اصلی در تحولات سوریه تبدیل شد.

جمهوری اسلامی ۵ سال بعد از به هلاکت رسیدن قاسم سلیمانی در لبنان و سوریه شکست خورد.

شکست جمهوری اسلامی در لبنان و سوریه اگر که بزرگ‌ترین ضربه و ناکامی سیاست‌های "اقتدارگرایان" برای خامنه‌ای و سپاه قدس است، در داخل مرزهای ایران تناسب مبارزه علیه جمهوری اسلامی را به شدت تحت تأثیر قرار داد. مردم از شکست‌های نظامی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی خوشحال شدند، و با اعتمادبه‌نفس بیشتر در مبارزه علیه حجاب و در مبارزه علیه اعدام‌ها، بیکاری و گرانی صدایشان بلندتر و صفوف مبارزاتشان تعرضی‌تر شد.

امروز ۵ سال بعد از به هلاکت رسیدن شاخص‌ترین فرمانده تروریست جمهوری اسلامی، شکست در جبهه نیروهای نیابتی، مردم در ایران، دشمن را در موقعیت بازنده و زیونی می‌بینند. خامنه‌ای بیش از همیشه رسوا و مورد تمسخر مردم قرار گرفته است.

در سوریه، لبنان و عراق در کوچه و خیابان صدای اعتراضی مردم علیه جمهوری اسلامی و خامنه‌ای بیشتر شده. به نقل از خبرنگار بی‌بی‌سی ساکنین شهر دمشق علیه حضور نظامی جمهوری اسلامی ناراضیاتی‌هایشان را علناً اعلام می‌کنند.

قاسم سلیمانی در ۱۳ دی‌ماه ۱۳۹۸ به هلاکت رسید، اما پایان قدرقدرتی منطقه‌ای جمهوری اسلامی، اقتدار آن و شکست نیروهای نیابتی تحت رهبری خامنه‌ای در دی‌ماه ۱۴۰۳ ثبت شده است.

۱۳ دی ۱۴۰۳

در ۳ ژانویه ۲۰۲۰ (۱۳ دی‌ماه ۱۳۹۸) دوره اول ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، قاسم سلیمانی که از دمشق به طرف بغداد در حرکت بود، در نزدیکی فرودگاه بغداد با شلیک چند راکت به هلاکت رسید. ترور قاسم سلیمانی آغازی برای پایان حضور سپاه قدس و نیروهای نیابتی یا مستشاری جمهوری اسلامی تحت فرماندهی خامنه‌ای بود.

اکنون بعد از ۵ سال آنچه به‌عنوان "میراث قاسم سلیمانی" شناخته می‌شد، عملاً وجود خارجی ندارد.

خامنه‌ای و قاسم سلیمانی با هزینه‌های چند ده‌هزار میلیارددلاری و هزینه‌های انسانی (به هلاکت رسیدن بیش از ۷ هزار نفر از مزدوران مسلح در سپاه قدس و گروه‌های جهادی و اسلامی) حزب‌الله در لبنان و منطقه را به‌عنوان بازوی مقاومت جمهوری اسلامی سازماندهی کردند. نیروهای اسلام‌گرایی که هر روز تهدید نظامی علیه اسرائیل و مردم مبارز و مدافعین آزادی‌خواهی بود.

سازماندهی محور مقاومت در شبکه نظامی متصل به هم و دسترسی به بالاترین امکانات لجستیکی از موشک‌های دوربرد تا پهپاد و تجهیزات نظامی با اهداف متشکل کردن ده‌ها گروه جهادی و اسلامی در راستای اقتدار منطقه‌ای جمهوری اسلامی انجام گرفت.

جمهوری اسلامی با اتکا به محور مقاومت، دیکتاتوری رژیم بشار اسد را حفظ، و خیزش بهار عربی ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ در سوریه را با کشتن بیش از ۵۰ هزار نفر، سرکوب کرد.

به مناسبت پنجمین سال به هلاکت رسیدن قاسم سلیمانی، خامنه‌ای گفت: "مکتب قاسم سلیمانی تحقق اسلام و قرآن" بود.

امضای توافق‌نامه آتش‌بس دوم‌ماهه حزب‌الله و سقوط رژیم دیکتاتوری بشار اسد، بهای سنگین سیاسی برای جمهوری اسلامی بود.

## علیه قطع برق همه‌جا دست به اعتراض بزنیم!

رژیم در اوج درماندگی قرار گرفته است. ستون‌های حکومت یکی پس از دیگری فرو ریخته و ته دل همه مقامات کاملاً خالی شده است. وقت آن است که صفوفمان را متحدتر کنیم و به هر شکلی که می‌توانیم حکومت را همه‌جانبه زیر ضرب قرار دهیم. حکومت توان رویارویی همه‌جانبه با مردم متحد را ندارد، صفوفش کاملاً به‌هم ریخته و نیروهای سرکوبش نه روحیه سابق را دارند و نه توان مقابله گسترده با مردم.

هم اکنون در برخی شهرها و شهرک‌ها تجمعات اعتراضی و شعاردهی علیه قطع برق شروع شده است. این اعتراضات را گسترش دهیم و از پرداخت قبض‌های آب و برق و گاز خودداری کنیم. اینها اشکالی عملی از مبارزه توده‌ای برای متحدشدن و فلج کردن حکومت است. در هر شهر و محله‌ای متحدانه دست به اعتراض بزنیم و تصمیم بگیریم که هیچ قبضی را نپردازیم. این کار ضربه اقتصادی قابل توجهی به دزدان حاکم و کاهش فشار هر چند اندکی بر زندگی ما مردم است. حکومتی که جریان برق و گاز و آب مردم را نمی‌تواند تضمین کند جاییش در زباله‌دان است.

حزب کمونیست کارگری ایران

## “یقه‌درانی” سران حکومت علیه یکدیگر

مهران محبی

تشدید اعتراضات مردم علیه کمبودها، گرانی‌ها و مشکلات معیشتی، سران رژیم را چنان با وحشت سرنگونی قریب‌الوقوع مواجه کرده است که روزانه حجم زیادی از هشدارها و نگرانی‌های هراسناک آنها از تریبون‌ها و رسانه‌های حکومتی به گوش می‌رسد که اگر زمان و مکان و مناسبت‌های این هشدارها و نگرانی‌ها نادیده گرفته شوند تا حد زیادی حوصله آدمی را “سر” می‌برند.

اما آنچه که نه تنها باعث بی‌حوصلگی هر آدم مخالف رژیمی نمی‌شود، بلکه جلب توجه و ایجاد خرسندی و رغبت برای شنیدن بیشتر چنین هشدارهایی می‌کند، تغییر لحن‌ها و محتواها هستند که هر چه بحران‌های جمهوری اسلامی بیشتر و عمیق‌تر می‌شوند، بیان‌ها و مفاهیم آنها خصلت و ویژگی‌های خطراتی و تهدیدی بیشتری به خود می‌گیرند. اوضاع آن‌چنان برای رژیم به طور همه‌جانبه بحرانی است که سران و باندهای حکومت در هراس از به خیابان آمدن مردم برای یکسره کردن کار جانپان حاکم از مرحله ابراز نگرانی و هشدار دادن به یکدیگر عبور کرده و در مقابل یکدیگر “یقه” پاره می‌کنند.

یک عده در مورد پادروها مانند قانون حجاب و عفاف با مجلس زدوخورد دارند و بدوی‌پاره نثار یکدیگر می‌کنند. عده‌ای نسبت به تشدید کمبودهای برق و گاز و گرانی بی‌سابقه قیمت ارز یقه پزشک‌ها و دولت‌ش را چسبیده‌اند، عده‌ای هم از جمله خانواده‌های پاسدارانی که طی ۱۳ سال گذشته تحت تأثیر آنچه که خامنه‌ای مدعی بود که به‌خاطر دفاع از “حرم” و تقویت و توسعه محور موسوم به مقاومت کشته شده‌اند، خامنه‌ای و سران سپاه را به‌خاطر رهاکردن “حرم” و شکست منطقه‌ای و نابود شدن محور مقاومت زیر فشار گذاشته‌اند.

حتماً مردم تهدیدات و “یقه‌درانی‌های” این روزهای سران و باندهای حکومتی علیه یکدیگر و فشارهایی که بر دوش خامنه‌ای سنگینی می‌کنند را شنیده و متوجه شده‌اند، ولی برای یادآوری هم شده بد نیست تعداد معدودی از مرور کنیم:

- حمید رسائی در جلسه علنی مجلس، خطاب به قالیباف می‌گوید: “شایع شده که شورای عالی امنیت ملی جلوی ابلاغ این قانون را گرفته اما این دروغ است” سپس می‌پرسد: “شما برای ابلاغ این قانون تاریخ تعیین کردید، یکی جواب بده که طبق کدام قانون شما این قانون را ابلاغ نمی‌کنید؟”. قالیباف نیز مسئولیت را از گردن خود باز می‌کند و می‌گوید: “آن مرجعی (شورای عالی امنیت ملی) که ۲۳ آذر را به ما ابلاغ کرده بود مجدداً تاریخ را تمديد کرد”.

- جواد نیک‌بین نماینده مجلس در تذکر شفاهی به پزشک‌ها چنین می‌گوید: “این روزها برخی از آقایان اقداماتی را انجام می‌دهند که بوی خیانت می‌دهد. برخی فکر می‌کنند با بالا و پائین آوردن قیمت ارز می‌توانند مقدمه اغتشاشات دیگری را در کشور فراهم کنند. پزشک‌ها باید به وزرای خود در این موضوعات تذکر جدی بدهند... اگر بخواهد اتفاقاتی در رابطه با مسائل مطروحه در کف خیابان‌ها رخ دهد، قطعاً مقصر این حوادث تصمیم‌گیرانی هستند که در حوزه اقتصادی اشتباه تصمیم می‌گیرند و بعضاً مقصر اصلی را دولت‌های قبلی می‌دانند”.

کسی مانند علم‌الهدی که دیگر به سیم آخر زده و مجلس و دولت را هم‌زمان درهم می‌کوبد و به نمایندگان به‌اصطلاح مستقل و همچنین نزدیکان به اصلاح‌طلبان و پزشک‌ها در مجلس تلویحاً اتهام جاسوسان غرب و اسرائیل می‌زند و خود پزشک‌ها را که به‌خاطر ترس از خیزش‌های خیابانی در اعتراض به وجود بحران‌های اقتصادی و معیشتی مانع ابلاغ قانون حجاب و عفاف شده را مقصر و تلویحاً مجرم می‌نامد.

طبق معمول هم، تقصیر و مسئولیت حکومت و سیاست‌های حکومتی اینجا در زمینه اقتصاد و معیشت که خامنه‌ای آن را رهبری و تعیین می‌کند باید به گردن دولت انداخته شود تا این‌گونه القا شود که پزشک‌ها و دولت‌ش ناتوان و ناکارآمد در اجرای فرامین و برنامه‌های خامنه‌ای بوده و شرایط موجود

را باعث شده‌اند.

پزشک‌ها “بینوا” نیز که مانند همه رؤسای جمهور پیشین اساساً بر کرسی ریاست جمهوری نشاندهش برای ایفای نقش ضربه‌گیر حکومت انجام گرفته، مدام بر سر خود می‌کوبد و جز عجزولابه کردن‌هایی مانند “از روزی که آمده‌ایم بحران پشت بحران می‌آید”، “اگر ما در انتخابات‌های خود درست رفتار و عمل می‌کردیم الان شاهد این اوضاع در کف خیابان نبودیم” و “اگر از قرآن و پیامبر و احادیث تبعیت می‌کردیم و بر اساس نگاه امیرالمؤمنین و توصیه‌های الهام‌بخش رهبری حرکت می‌کردیم الان این مشکلات اقتصادی را در جامعه نداشتیم” و غیره، حرف و واکنشی در برابر این همه تهدیدات و خطونشان کشیدن‌های باندهای تندرو حکومتی ندارد.

اما اوضاع به‌هم‌ریخته جاری جمهوری اسلامی را دیگر نمی‌شود با حائل کردن دولت میان خامنه‌ای و مردم هیچ درجه‌ای سروسامان داد. ترک و شکاف تا اعماق حکومت پیش رفته و تبدیل به گسلی شده است که با هر تنشی میان لبه‌های این گسل کل رژیم را به لرزه در خواهد آورد و بخش‌هایی از ساختمان آن را تخریب خواهد کرد. خامنه‌ای هم متوجه شده است که خاصیت کنترل بحران‌ها و جدال‌های درون رژیمش را از دست داده و نوک پیکان همه نارضاقتی‌ها و اعتراضات در همه عرصه‌ها به سویش نشانه گرفته شده‌اند. ازین‌رو تصمیم به کوتاه آمدن و سر خم کردن گرفته است.

خیلی محتمل است که تهدیداتی که امروز از طرف تندروها علیه پزشک‌ها و مجموعه دولت‌ش می‌شود، با بیشتر شدن فشارها بر کل حکومت اگر نه به این تندی و تهدیدآمیزانه ولی با لحن‌ها و روش‌های متفاوتی از جانب بخشی از همین تندروها متوجه خود خامنه‌ای هم بشود. خامنه‌ای تا زگی زیر فشار اعتراضات مردم به بحران اقتصادی و اوضاع وخیم معیشتی مجبور به تن دادن به پذیرش “اف، ای، تی، اف” که برابر با بستن دست خود برای رساندن پول به تروریست‌های محور مقاومت است، گردیده و در پاسخ به منتقدان شکست محور مقاومت متوسل به دروغ‌گویی‌ها و وعده‌های موعودی شده است.

خزیدن به این موقعیت برای خامنه‌ای حکم خودکشی. سیاسی و ایدئولوژیکی و حکم بی‌اعتباری و بی‌خاصیتی عمیق در مقام رهبری حکومت را دارد. او که ده‌ها سال از تن دادن به پذیرش “اف، ای، تی، اف” سر باز زده و اقتصاد را به بن‌بست کشانده و امروز با دلالت به آن تن می‌دهد و همچنین با جایگزین کردن وعده‌های موعودی و آن جهانی (مانندگار بودن رشادت‌ها و شهادت‌طلبی‌های سپاه و محور مقاومت) با وعده‌های این دنیایی (نابودی اسرائیل و دیگر خزعبلات) که تا دیروز رجزش را می‌خواند، دیگر قابلیت و مقبولیتی حتی در میان خودی‌ترین خودی‌ها و سرسپردترین پاسدارانش هم باقی نخواهد گذاشت.

پذیرش “اف، ای، تی، اف” در این شرایط هیچ‌گره‌ای از درماندگی اقتصادی حکومت باز نخواهد کرد. خیلی دیر شده و عمری برای رژیم باقی نمانده تا از محاسن و گره‌گشایی مالی و پولی این قانون بین‌المللی استفاده کند و تازه اگر این سد را با پذیرش عواقب سیاسی‌اش ناشی از اعلام رسمی قطع حمایت پولی از تروریست‌های اسلامی از سر راه اقتصاد بردارند، سدهای دیگری شامل تحریم‌های ارزی و فروش قطعات و ماشین‌آلات صنعتی و غیره همچنان پابرجا خواهند ماند.

از طرف دیگر با هر عقب‌نشینی‌ای چه در داخل مانند لغو ابلاغ قانون حجاب و عفاف و چه در سطح بین‌المللی مانند علنی شدن موافقت خامنه‌ای با پذیرش “اف، ای، تی، اف” و نهایتاً پذیرش عملی آن، تکانه‌های گسل درون حکومت را تشدید و ریزش‌ها و تخریب‌های حاصل از آن بیشتر خواهند شد و در نتیجه سرنگونی رژیم برای مردم کاری آسان‌تر خواهد بود.

جمهوری اسلامی هیچ شانس برای نجات خود ندارد و به‌سرعت به سوی سرنگونی می‌رود.\*

## اطلاعه‌های هفته اخیر

## قطعی برق و اخراج سازی‌ها، و اخباری دیگر

طبق گزارشات ۱۵ تن از نمایندگان کارگران ارکان ثالث به دلیل مطالبه حق و حقوق خود با خطر اخراج روبرو هستند. از میان این پانزده نفر دو نفرشان طی ۷ ماه اخیر حکم اخراج قطعی را دریافت کرده‌اند، ۵ نفر در انتظار دریافت حکم هستند و ۸ نفر آنها هم در نوبت احضار هستند تا تکلیف ادامه اشتغال یا اخراج آنان روشن گردد. در رابطه با این اخراج‌ها شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت طی اطلاعیه‌ای تحت عنوان "از همکاران اخراجی ارکان ثالث و خواست‌ها و اعتراضاتشان قاطعانه حمایت می‌کنیم"، می‌نویسد:

"این همکاران صدای اعتراض همه ما کارگران شاغل در نفت علیه چپاولگری‌ها و ستمگری‌های پیمانکاران مفت‌خور و وخیم شدن هر روزه وضع معیشتی‌مان هستند. اخراج و امنیتی کردن مبارزات خط‌قرمز ماست. یک خواست اعتراضی همکاران ارکان ثالث در سه‌شنبه‌های اعتراض بازگشت به کار همکاران اخراجی‌شان است. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت این اخراج‌ها و امنیتی کردن مبارزات را شدیداً محکوم کرده و از مبارزات و خواست‌های ۱۲۰ هزار همکار ارکان ثالث شرکت ملی حفاری ایران و صنعت نفت قاطعانه حمایت می‌کند... با قدرت اعتراضات هزاران نفره خود می‌توانیم همکاران اخراجی را به سر کار برگردانیم جلوی اخراج‌ها را بگیریم و با قدرت بیشتری پیگیر مطالباتمان شویم. متحد بمانیم"

بازگشت به کار کارگران اخراجی و داشتن حق تشکل و اعتراض از جمله خواست‌های مهم صد و بیست هزار کارگر معترض ارکان ثالث است. از این خواست‌ها و اعتراضات کارگران ارکان ثالث نفت باید فعالانه دفاع کرد.

- طبق اخبار منتشر شده کارگران پتروشیمی شاداب ماه‌ها است که مزدی دریافت نکرده و خطر اخراج آنها را تهدید می‌کند. این کارگران در گفتگویی خبری از مشکلاتشان سخن گفتند.

- روز ۴ دی پرسنل غیررسمی (شرکتی) بیمارستان نفت اهواز در اعتراض به کسر مالیات‌های ۸، ۱۰ و ۱۲ میلیونی از حقوق سه ماه اخیر خود دست به تجمع اعتراضی زدند.

## حزب کمونیست کارگری ایران

۸ دی ۱۴۰۳، ۲۸ دسامبر ۲۰۲۴

\*\*\*\*\*

## تجمعات بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد در

## چندین شهر

امروز نهم دی‌ماه بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد مطابق یکشنبه‌های هر هفته جهت پیگیری مطالبات خود در چندین شهر تجمعات اعتراضی برپا کردند. در این روز بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهای شوش و اهواز تجمع داشتند و بازنشستگان فولاد در شهرهای اصفهان و قائم‌شهر تجمع کرده و با فریاد شعارهایشان صدای اعتراضشان را بلند کردند.

در شوش بازنشستگان مثل همیشه از کرخه، هفت‌تپه و شوش گردآمده و مقابل فرماندهی تجمع داشتند. بازنشستگان در شوش شعار می‌دادند: "روسی راه‌کن فکری به حال ما کن"، "بیمارستان ملکی حق مسلم ماست"، "عیدی سال جدید حق مسلم ماست"، "حقوق بازنشسته فقط واسه یک هفته"، "ما می‌گیم حقوق کمه، قیمت نان گران میشه"، "زیر بار تورم شکسته پشت مردم"، "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، و "فقط کف خیابان به دست میاد حقمون".

در اهواز تجمع بازنشستگان در مقابل تأمین اجتماعی در مقابل میدان

در پی قطعی پدربق در چند هفته اخیر مجتمع فولاد ویان در استان همدان حدود ۱۲۰ نفر از کارگران خود را اخراج کرده است. این کارگران از ۴ تا ۱۵ سال سابقه کار دارند. در رابطه با این اخراج‌ها کارگران تجمعات اعتراضی بر پا کرده و خواستار بازگشت به کار همکاران اخراجی و توقف بیکارسازی‌ها شده‌اند. مجتمع ذوب و ریخته‌گری فولاد ویان تولیدکننده انواع شمش‌های فولادی است و در کیلومتر ۴۲ جاده همدان تهران در جنوب شرقی نیروگاه مفتوح واقع است.

بیکارسازی‌ها به‌خاطر قطعی برق گسترده است و در نتیجه بحران قطع برق و قطعی متوالی آن فعالیت تولیدی در بسیاری از شهرها و شهرک‌های صنعتی دچار تعطیلی و اختلال شده و بیکارسازی‌های گسترده‌ای به این بهانه صورت گرفته است. علیرضا کلاهی صمدی، رئیس کمیسیون صنعت اتاق بازرگانی ایران حکومت از سونامی بیکاری و اخراج کارگران در پی تداوم این بحران در صنایع خبر داده است. این وضعیت بحرانی که جامعه را به تعطیلی کشانده بر خشم و اعتراض کارگران شدت داده است. با اعتراضات سراسری می‌توان تعرضات معیشتی حکومت را عقب زد.

در ادامه اعتراضات معلمان بازنشسته ۱۴۰۲ در اعتراض به وخیم‌تر شدن هر روزه وضع معیشتی و بی‌پاسخ ماندن مطالبات خود، این بازنشستگان در بجنورد نیز در ششم دی‌ماه تجمع داشتند. سطح نازل حقوقها، پرداخت‌نشدن پاداش پایان خدمت، اجرانشدن کامل رتبه‌بندی و همسان‌سازی، محرومیت از درمان رایگان، اختلاس‌ها و دزدی‌ها و سیاست‌های سرکوبگرانه حاکم از جمله موضوعات اعتراضات این بازنشستگان است.

اعتراضات در میان پرستاران ادامه دارد. امروز شنبه هشتم دی‌ماه پرسنل بیکار شده بیمارستان سجاد کرمانشاه در اعتراض به ۲۵ روز تعطیلی بیمارستان و بیکاری پرسنل و عدم حمایت دانشگاه علوم پزشکی دست به تجمع زدند. سطح نازل حقوقها، فشار بالای کار و اضافه‌کاری‌های اجباری، تعویق پرداخت برخی مطالبات مزدی و پرداخت سلیقه‌ای و تبعیض آمیز تعرفه، بیکارسازی‌ها و استاندارد پایین درمانی در بیمارستان‌ها از جمله موضوعات سراسری اعتراضات ستاران است.

## حزب کمونیست کارگری ایران

۸ دی ۱۴۰۳، ۲۸ دسامبر ۲۰۲۴

\*\*\*\*\*

## سومین روز اعتصاب کارگران شرکت ایران افق و

## اخباری دیگر از نفت

- کارگران شرکت نفتی ایران افق روز ۸ دی برای سومین روز متوالی در اعتراض به مشکلات معیشتی و برای پیگیری مطالبات خود دست به اعتصاب زدند. اهم مطالبات این کارگران عبارت‌اند از: افزایش حقوق مطابق با سایر شرکت‌های غرب کارون، شیفتی کردن پرسنل بومی یا تعطیلی پنجشنبه، تعیین روز مشخص در ماه جهت پرداخت کردن حقوق، پرداخت پاداش اورهال و تولید و پاداش‌های مناسبتی، پرداخت کلیه معوقات قبلی (بک پی)، و انتخاب بیمه تکمیلی بر اساس میزان ارائه خدمات.

- سه‌شنبه‌های اعتراضی کارگران ارکان ثالث ادامه دارد و در این هفته چندین هزار نفر از این کارگران در پالایشگاه‌های مجتمع گاز پارس جنوبی و شرکت پالایش فجر جم و نفت و گاز گچساران تجمع و اعتراض داشتند.

## تجمعات بازنشستگان مخابرات، معلمان بازنشسته ۱۴۰۲ و دیگر خبرها

بازنشستگان مخابرات در ادامه دوشنبه‌های اعتراضی خود روز ۱۰ دی برای پیگیری مطالباتشان و علیه فقر و بی‌تامینی و اختلاس‌های ستاد اجرایی و تعاون سپاه (مالکان شرکت مخابرات) تجمع کردند. این تجمعات در شهرهای اهواز، رشت، زنجان، تبریز، اصفهان، کرمانشاه، ایلام، ارومیه، بیجار برگزار شدند.

در اهواز بازنشستگان مخابرات با شعارهای "تشکل، اعتراض حق مسلم ماست"، "مرگ بر سهام‌داران ظالم" پیگیر مطالباتشان شدند. در اصفهان بازنشستگان مقابل شرکت مخابرات تجمع داشته و شعار می‌دادند "امروز فردا نکنید، حق ما رو ادا کنید"، "ستاد فرمان امام حق ماها رو خورده"، "حقوق ما ریا لیه هزینه‌ها دلاریه"، و "وزیر بی‌تفاوت نمی‌خوایم، نمی‌خوایم".

در کرمانشاه بازنشستگان با شعارهای "شرکت پدرآمد چه بر سر تو آمد"، "این همه بی‌عدالتی هرگز ندیده ملتی"، و "تا حصول نتیجه، دوشنبه‌ها همین" تجمع و راهپیمایی کردند و بساط چپاول حاکم را به چالش کشیدند. در ایلام و سنندج نیز بازنشستگان با شعارهای "شرکت پدرآمد چه بر سر تو آمد"، "تا حق خود نگیریم از پا نمی‌نشینیم" بر ادامه اعتراضات خود تأکید کردند.

افزایش حقوقها به بالای خط فقر ۴۵ میلیونی و درمان رایگان و پایان دادن به اختلاس‌ها و سرکوبگری‌ها خواست‌های سراسری بازنشستگان است. بعلاوه خواست‌های فوری بازنشستگان مخابرات از جمله عبارت‌اند از اجرای بدون تنازل بند ۶ و ۹ مصوبه اسفندماه سال ۸۵ هیئت وزیران، و اجرای آیین‌نامه ۸۹/۲۴ مردادماه سال ۸۹ هیئت‌مدیره وقت شرکت مخابرات ایران.

در این روز همچنین معلمان بازنشسته ۱۴۰۲ در ادامه اعتراضاتشان در شهرهای بیرجند، زنجان و سنندج در برابر استانداری تجمع کردند و پیگیر مطالباتشان شدند. در سنندج جمعیت قابل‌توجهی از معلمان بازنشسته شرکت داشتند. اعتراض این بازنشستگان به سطح نازل حقوقها و وخیم‌تر شدن هر روز بیشتر وضع زندگی و درمانی خود و بی‌پاسخ ماندن مطالباتشان است. اعتراض آنها به تأخیر ۱۵ ماهه در پرداخت پاداش بازنشستگی و عدم تعیین تکلیف باقیمانده پاداششان است. معلمان می‌گویند پاداش آنها در این تورم و بی‌ارزشی ریال ارزش خود را از دست داده و این خود ضرری اقتصادی به آنهاست.

اعتراضات معیشتی در میان کارگران و سطح جامعه گسترده است. در این روز همچنین گروهی از کارگران پتروشیمی ارغوان گستر در اعتراض به اخراج‌ها و با خواست بازگشت به کار بار دیگر تجمع کردند. کارگران اخراجی از شهرستان چوار هستند که بعد از سال‌ها کار و تلاش در پتروشیمی از کار اخراج و معیشتشان زیر سؤال رفته است. کارگران اخراجی ارغوان گستر در این رابطه تجمعات بسیاری داشته و در همراه تعدادی از آنان احضار، بازداشت و از آن مکان منتقل شدند. این موضوع به خشم و اعتراض کارگران شدت بخشید. در این میان دو نفر از کارگران از شدت خشم در همان محل تجمع دست به خودسوزی زدند که توسط همکارانشان نجات یافتند.

همچنین در این روز اعتصاب کارگران شرکت ایران افق در خرمشهر در اعتراض به عدم پاسخگویی به خواست‌هایشان وارد ششمین روز خود شد. آخرین خبر مربوط به وضعیت فلج اقتصادی، گرانی ارز و قطع مکرر انرژی است. این وضعیت در روز گذشته اعتراضاتی را در بازار تهران دامن زد و امروز کسبه بازار اطلس مشهد دست به تجمع اعتراضی زدند. فلج اقتصادی حکومت و ازکارافتادن تولید و معاش جامعه را فلج کرده و به حال انفجاری درآورده است. با گسترش اعتراضات و تجمعات و اعتصابات سراسری و هماهنگ باید با تعرضات حکومتی مقابله کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۰ دی ۱۴۰۳، ۳۰ دسامبر ۲۰۲۴

کارگر و فرهنگ شهر برگزار شد. در این حرکت اعتراضی بازنشستگان معترض شعار می‌دادند: "روسری راهرا کن فکری به حال ما کن"، "فقر و فساد همین جاست آقازاده آمریکاست"، "همسان‌سازی در احکام اجرا باید گردد"، "ایران غارت کردن/ ما را بیچاره کردن"، "گرانی، تورم، بلای جان مردم"، و "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "معترض زندانی آزاد باید گردد".

در اصفهان بازنشستگان فولاد و معدن مقابل صندوق بازنشستگی در خیابان نشاط دست به تجمع و راهپیمایی زدند و شعار می‌دادند: "مشکل بازنشسته تا کی می‌خواد حل بشه"، "اجرای همسان‌سازی بدون حقه‌بازی".

بازنشستگان با شعارهای اعتراضی خود علیه فقر، بی‌تامینی، اختلاسگری‌ها و بساط سرکوب رژیم اعتراض کل جامعه را نمایندگی می‌کنند. از خواست‌ها و اعتراضات بازنشستگان وسیعاً حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۹ دی ۱۴۰۳، ۲۹ دسامبر ۲۰۲۴

\*\*\*\*\*

## تجمع اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی رشت و کارکنان علوم پزشکی ایلام

همانطور که قبلاً گزارش کردیم امروز نهم دی‌ماه در یکی از یکشنبه‌های اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهای مختلف تجمع و اعتراض برپا داشتند. در این روز علاوه بر اهواز و شوش در رشت نیز بازنشستگان تأمین اجتماعی تجمع کردند. این بازنشستگان با شعارهایی همچون "گرانی تورم بلای جان مردم"، "اسماعیل‌گرانی آزاد باید گردد" صدای اعتراض خود را علیه فقر و بی‌تامینی و سرکوبگری‌های حکومت بلند کردند.

در این روز همچنین کارکنان علوم پزشکی ایلام در اعتراض به اوضاع نابسامان این دانشگاه به نمایندگی از ۷۳۲۸ نفر پرسنل در محوطه ستاد دانشگاه تجمع کردند. موضوعات اعتراض این کارکنان از جمله عبارت‌اند از: بلا تکلیف بودن ریاست دانشگاه و وضعیت نامناسب پرداخت مطالبات (تعرفه، کارانه، اضافه‌کاری، حق فنی، حق مسکن، حق لباس، حق غذا) و عدم رفاهیات مناسبی خود

خبر دیگر مربوط به تجمع اعتراضی پرستاران، مراکز بهداشتی و اورژانس پیش بیمارستانی (۱۱۵) در ساختمان اداری شبکه بهداشت و درمان شهرستان طبرستان در اعتراض به معوقات حقوق، کارانه، اضافه‌کار و نیز اجبار پرسنل به اضافه‌کاری است. پرستاران یک نیروی مهم جنبش بر سر معیشت هستند. از خواست‌ها و اعتراضات پرستاران حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۹ دی ۱۴۰۳، ۲۹ دسامبر ۲۰۲۴



## تجمعات معلمان بازنشسته ۱۴۰۲ و چند خبر دیگر

امروز یازدهم دی ماه معلمان بازنشسته ۱۴۰۲ برای پیگیری مطالبات خود مقابل استانداری شیراز، گرگان، ایلام، رشت، ارومیه و کرمانشاه تجمع کردند. در کرمانشاه بازنشستگان با شعار "با اهل قلم هر که در افتاد ورافتاد" اولتیماتوم خود را علیه بی پاسخ ماندن مطالباتشان فریاد زدند.

در شیراز بازنشستگان با شعارهای اعتراضی خواست‌های خود را ابراز می‌کردند و وقتی که از آنها خواسته شد که چند نفر را به‌عنوان نماینده برای گفتگو بفرستند، جمعیت این ترفند نخ‌نما را نپذیرفته و با گفتن اینکه می‌خواهند با انتخاب چند نفر باقی را پی‌نخودسیاه بفرستند، یک‌صدا با شعار "یا جمعی یا هیچ‌کس" به تجمع خود ادامه داده و خواستار پاسخگویی شدند. در این تجمع اعتراضی معلمان بازنشسته شعار می‌دادند "جای مردان سیاست بنشینید درخت، تا هوا تازه شود!".

در روز گذشته نیز معلمان بازنشسته ۱۴۰۲ در شهرهای بیرجند، زنجان، همدان و سنندج در برابر استانداری تجمع داشتند. اعتراض معلمان بازنشسته ۱۴۰۲ به سطح نازل حقوقها و وضع بد معیشتی، تأخیر ۵ ماهه در پرداخت پاداش بازنشستگی و عدم تعیین تکلیف باقیمانده پاداششان است.

اعتراضات معیشتی گسترده است. در این روز همچنین کارکنان سازمان جهاد کشاورزی در استان ایلام با پهن کردن سفره خالی در مقابل ساختمان ستاد مرکزی سازمان جهاد کشاورزی این استان با سردادن شعار "زندگی شایسته حق مسلم ماست" اعتراض خود را به وضعیت فلاکت‌بار معیشتی و پایین بودن حقوقها و دستمزدها اعلام کردند.

اعتراضات گسترده در نفت و در میان پرستاران و در مراکز مختلف کارگری و بازنشستگان مسیر حرکت جامعه به‌سوی اعتصابات سراسری و تجمعات سراسری را هموار می‌کند. با سازماندهی صفوف مبارزاتی مان و استفاده از تجربه شوراهای سازماندهی اعتراضات به تدارک اعتصابات سراسری و گسترده برویم.

### حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ دی ۱۴۰۳، ۳۱ دسامبر ۲۰۲۴

\*\*\*\*\*

## ۱۱ دی: تجمع اعتراضی کارگران ارکان ثالث نفت در گچساران و شرکت پالایش گاز فجر

امروز یازدهم دی ماه پنجمین هفته متوالی از سه‌شنبه‌های اعتراضی کارگران ارکان ثالث و پشتیبانی پیمانکاری شرکت پالایش گاز فجر جم برای پیگیری مطالبات اعلام‌شده‌شان بود. در این روز کارگران شاغل در شرکت نفت و گاز گچساران نیز تجمع داشتند.

در این تجمعات کارگران معترض با در دست داشتن پلاکاردهای پیگیری مطالباتشان شدند. خواست‌های کارگران ارکان ثالث سراسری است و اهم مطالبات آنها عبارت‌اند از حذف کامل شرکت‌های پیمانکاری، حق تشکل، تجمع و اعتراض، پایان‌بخشیدن به فضای ارباب و سرکوب و بازگشت به کار هرچه سریع‌تر یاسر احمدی‌نژاد کارگر معترض در ملی حفاری، اجرای صحیح طرح طبقه‌بندی مشاغل و نظام همسان دستمزد با نیروهای رسمی، ساماندهی وضعیت رانندگان، ساماندهی تردد اقماری کارگران اداری و پشتیبانی و عمل به توافقات قبلی در زمینه مرخصی. استحقاقی و پرداخت حق کمپ.

کارگران ارکان ثالث با سه‌شنبه‌های اعتراضی خود یک کانون داغ اعتراضات در نفت هستند. مطالبات این کارگران خواست‌های همه کارگران نفت و بخش وسیعی از کارگران در سطح جامعه است. حزب کمونیست کارگری بر پیوستن بخش‌های مختلف نفت به سه‌شنبه‌های اعتراضی و تدارک اعتصابات سراسری بر سر حقوق و حقوق خود تأکید می‌کند.

### حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ دی ۱۴۰۳، ۳۱ دسامبر ۲۰۲۴

## ادامه اعتراضات کارگران پتروشیمی آبادان، تجمع پرستاران بیمارستان گاندی و اخباری دیگر

امروز دوازدهم دی ماه کارگران پتروشیمی آبادان برای دومین روز با فریاد "وعده وعید کافیہ سفره ما خالیہ" مقابل فرمانداری این شهر تجمع کرده و پیگیر مطالبات و روشن شدن وضع شغلی خود شدند. این کارگران در روز گذشته نیز تجمع و راهپیمایی داشتند.

کارگران پتروشیمی آبادان که در نتیجه بدتر شدن وضع هر روزه شرکت و به تعطیلی کشیده شدن آن در وضع بلا تکلیفی شغلی به سر می‌برند، خواستار بازگشت به کار و ایمنی شغلی‌شان هستند. این کارگران همچنین خواهان پرداخت فوری طلب‌های مزدی و بیمه‌ای خود هستند. پتروشیمی آبادان یکی از قدیمی‌ترین پتروشیمی‌های خاورمیانه بوده که امروز به حال تعطیل درآمده است.

امروز همچنین پرستاران بیمارستان گاندی در اعتراض به عدم پرداخت سه ماه حقوق خود تجمع کردند. اعتراضات در میان پرستاران گسترده است. شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران طی بیانیه‌ای ضمن اشاره به بی‌پاسخ ماندن خواست‌های پرستاران طی بیانیه‌ای تحت عنوان "تنها با تحصن و اعتصاب سراسری و پی‌درپی می‌توانیم مطالباتمان را محقق کنیم!" بر پیگیری خواست‌ها و ادامه اعتراضات تأکید کرده است.

اعتراضات معیشتی در سطح جامعه گسترده است. از جمله مردم به مازوت‌سوزی که باعث آلاینده‌گی فراوان هوا و رسیدن وضعیت بسیاری از شهرها به خط قرمز و تعطیلی‌های متوالی مدارس و دانشگاه‌ها و ادارات شده است، معترض هستند. یک کانون داغ این اعتراضات اراک است و روز گذشته مردم این شهر با فریاد "مازوت‌سوزی جنایت است" و بنرهایی که بر دست داشتند در شهر راهپیمایی کردند. مردم اراک طی هفته‌های اخیر تجمعات اعتراضی متعددی بر سر این موضوع برگزار کرده‌اند.

تجمع اعتراضی درمانگران اعتیاد سراسری کشور در روز گذشته در تهران در مقابل وزارت بهداشت را نیز در روز گذشته شاهد بودیم. اعتراض آنان به عرضه داروهای ترک اعتیاد در بازار آزاد و خارج شدن آنها از دسترس درمانگران اعتیاد است. در این حرکت اعتراضی تجمع کنندگان با فریاد "مرگ بر مافیا" بر بساط چپاول و غارت حاکم در مراکز درمانی بلند کردند.

### حزب کمونیست کارگری ایران

۱۲ دی ۱۴۰۳، ۱۲ ژانویه ۲۰۲۵

\*\*\*\*\*

## تجمع بازنشستگان نفت در اهواز و معلمان بازنشسته ۱۴۰۲ در سمنان

امروز دوازدهم دی ماه کارگران بازنشسته صنعت نفت اهواز در اعتراض به مشکلات معیشتی خود و بی‌پاسخ ماندن مطالباتشان و نیز علیه اختلاسگری‌ها و دست‌اندازی به صندوق بازنشستگی مقابل ساختمان این صندوق در اهواز تجمع کردند. به گزارش شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت در این تجمع اعتراضی این کارگران بخش‌های مختلف نفت را به اتحاد مبارزاتی فراخواندند. طبق این گزارش شعارهای بازنشستگان نفت عبارت بودند از: "هم مجلس هم دولت، ظلم می‌کنند به ملت!"، "بازنشسته به پا خیز علیه ظلم و تبعیض"، "پتروشیمی شرکت گاز، اتحاد اتحاد"، "پایانه‌های نفتی، اتحاد اتحاد"، "آغاچاری، گچساران اتحاد اتحاد"، "پالایشگاه، پتروشیمی اتحاد، اتحاد"، "همسان‌سازی حق ماست، حق فرزندان ماست"، "همسان‌سازی حق ماست، حق مسلم ماست"، "همسان‌سازی، همسان‌سازی اجرا باید گردد"، و "حقوق نصف نیمه، سکوت کنی همینه". بنرهایی با نوشته "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، "درمان رایگان حق مسلم ماست" نیز در این تجمع قابل توجه بود.

در این روز همچنین معلمان بازنشسته ۱۴۰۲ در سمنان مقابل مدیریت بحران استان تجمع داشتند. اعتراض این بازنشستگان به وضع بد معیشتی

بنا به خبر منتشر شده در ویدئویی از رقص و پایکوبی شماری از شرکت کنندگان در یک مراسم عروسی در روز پنجشنبه ۱۳ دی در پیرانشهر، به دستور مجتبی محمودی، دادستان پیرانشهر، ۵۸ نفر احضار و علیه آن‌ها پرونده قضایی تشکیل شد. اتهام این شعبه «تبلیغ علیه نظام» از طریق «رقص و پایکوبی و نمادگرایی» در یک مراسم عروسی و انتشار ویدئوهای آن در فضای مجازی عنوان شده و قرار است جلسه تفهیم اتهام آن‌ها در روزهای آینده برگزار شود. اعضای خانواده دو تن از جان‌باختگان جنبش «زن، زندگی، آزادی» به نام‌های کومار درافتاده و امیر فراستی‌شاد نیز در میان احضارشدگان هستند.

از سوی دیگر و بنا بر گزارش منتشر شده از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران، هفت نفر از فعالین کارگری و محیط‌زیست شهر سنندج به نام‌های اقبال شبانی، فردین میرکی، سید خالد حسینی، شیث امانی و فرشید عبدالهی از فعالین کارگری و سوسن رازانی و جمال اسدی از فعالین محیط‌زیست طبق ابلاغیه بازپرسی شعبه دوم دادسرای عمومی این شهر به این دادگاه احضار شده‌اند. بر اساس این ابلاغیه که روز ۱۳ دی ماه به دست این فعالین رسیده است آنان با اتهام اخلال در نظم عمومی و تبلیغ علیه نظام و شرکت در مراسم خاک‌سپاری یکی از مادران دادخواه و فعالیت‌های صنفی و مدنی که پیش‌تر با این اتهام مورد بازجویی قرار گرفته بودند، در فرصت دارند تا در این شعبه بازپرسی حضور پیدا کنند.

مردم مبارز و انقلابی کردستان!

رژیم اسلامی در اوج درماندگی و شکست‌های پی‌درپی به‌خوبی دریافته که در سراسری سقوط قرار گرفته است. دریافته است که در وحشت از اعتراضات هر روزه و سرنگونی طلبانه مردم که عزم جزم کرده‌اند بساط ۴۵ سال قتل، جنایت، آدمکشی، آدمربایی، زندان، شکنجه، تجاوز، اعدام و فقر و تباهی را برای همیشه به زباله‌دان تاریخ بفرستند، به تکاپو و دست‌بازدن افتاده است.

نباید اجازه دهیم که نهادهای سرکوب حکومت مستأصل و در حال سقوط اسلامی عزیزان ما را به بهانه‌های پوچ احضار، تهدید، دستگیر و زندانی کند. ضعف، زبونی و درماندگی حکومت اسلامی به جایی رسیده است که می‌خواهد انتقام شکست‌های پی‌درپی منطقه‌ای خود را از فعالین خوشنام کارگری، زیست‌محیطی و مردمی که به جشن و شادی می‌پردازند بگیرد. در برابر این توحش و در برابر هر گونه احضار و تهدید فعالین کارگری، اجتماعی و در برابر دخالت دستگاه سرکوب در جشن و شادی مردم باید قاطعانه در مقابل آنان ایستاد. با استفاده از هر امکانی برای اعتراض به درماندگان اسلامی باید به میدان آمد. باید احضار شده‌ها همراه با خانواده‌هایشان و مردم معترض شهر دست به حرکت دسته‌جمعی زده و تعرض رژیم را به تعرضی سازمان‌یافته علیه دستگاه سرکوب تبدیل کنند. همراه با هم و به‌صورت جمعی به شعبه بازپرسی رفته و با استفاده از هر گونه ابتکاری عملاً احضارها را خنثی کنید.

سرنگون باد حکومت درمانده اسلامی

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ دی ۱۴۰۳، ۳ ژانویه ۲۰۲۵

\*\*\*\*\*

ادامه سیاست‌های سرکوبگرانه در قبال کارگران و معلمان معترض

امروز پنجشنبه، ۶ دی ماه ۱۴۰۳، احمد درخشان، معلم، نویسنده، و فعال ادبی ساکن کرج، توسط شعبه دوم دادگاه انقلاب اسلامی به یک سال حبس و مجازات‌های "تکمیلی" محکوم شد. این مجازات‌ها شامل دو سال محرومیت از تدریس، ممنوعیت عضویت در گروه‌ها و دسته‌های اجتماعی، ممنوعیت خروج از کشور، و انفصال از خدمات دولتی است. محکومیت این معلم معترض گوشه‌ای از سیاست ضد کارگری و ضد مردمی حکومت اسلامی است و باید شدیداً محکوم شود. درخشان پیش‌ازین نیز در پانزدهم مهرماه به اتهام "تبلیغ علیه نظام" مورد بازجویی و پیگرد قرار گرفته بود.

- امان جلالی نژاد معلم زندانی در دادگاه بدوی به سه سال و شش ماه

خود و عدم پاسخگویی به خواست‌هایشان از جمله تأخیر ۱۶ ماهه پرداخت پاداش پایان خدمت است. در این هفته این بازنشستگان شهرهای مختلف تجمعات اعتراضی خود را بر پا داشتند. این بازنشستگان با فریاد "چهارصد و دو داد بزن، حق‌تو فریاد بزن"، به وضعیت غیرقابل تحمل موجود اعتراض می‌کردند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۲ دی ۱۴۰۳، ۱ ژانویه ۲۰۲۵

\*\*\*\*\*

## پرداخت ۶۰ درصد پاداش معوقه معلمان بازنشسته و اخباری دیگر

طبق گزارشات منتشر شده به دنبال اعتراضات هزاران نفره معلمان بازنشسته و معلمان رئیس مرکز اطلاع‌رسانی وزارت آموزش و پرورش از پرداخت طلب ۶۰ درصد پاداش خدمت آنان خبر داد. این مقام دولتی اعلام داشت "با پیگیری‌های صورت گرفته و تأمین اعتبار، به‌زودی باقیمانده پاداش پایان خدمت بازنشستگان فرهنگی به آنها پرداخت خواهد شد". این خبر نشانه موفقیت این اعتراضات است. اما بازنشستگان اعلام کرده‌اند که تا زمانی که همه معوقات پرداخت نشود به تجمعات ادامه خواهند داد.

گفتنی است پیش‌ازین تنها ۴۰ درصد پاداش بازنشستگان واریز شده بود و شصت درصد آن باقیمانده بود که به دلیل عدم پرداخت به موقع پاداش و تورم بالا در کشور، کاهش ارزش آن را به دنبال داشته است.

روز گذشته دوازدهم دی ماه همچنین شاهد اعتراض کارگران پیمانکاری شرکت «معدنی و صنعتی گل‌گهر» سیرجان در استان کرمان بودیم. این کارگران در اعتراض به وضعیت بد شغلی و پایین بودن دستمزدها برای دومین روز متوالی در برابر این شرکت تجمع کردند.

در این روز همچنین کارگران شرکت پتروپایدار خاتم‌الانبیا در اعتراض به کیفیت بد غذا، و فاسد بودن گوشت و بوی بد آن و وجود ترکیبات غیرمعمول در غذا از خوردن آن خودداری کرده و دست به اعتصاب غذا زدند. طبق گزارشات طی چند روز گذشته چندین کارگر مسموم غذایی شده‌اند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ دی ۱۴۰۳، ۲ ژانویه ۲۰۲۵

\*\*\*\*\*

## در برابر احضارها در کردستان قاطعانه به میدان بیاییم



## اخباری از سرکوبگری‌های حکومت و اسامی فعالین کارگری زندانی

بنا بر خبر منتشر شده از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان حسین واحدی (داریوش اشکانی) بازرس انجمن صنفی فرهنگیان خراسان شمالی از سوی شعبه یک دادگاه حکومتی بجنورد به اتهام "تبلیغ علیه نظام" به یک سال حبس محکوم شد. با اعتراض به این رأی، پرونده این معلم در دادگاه تجدیدنظر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

فشارهای امنیتی بر روی معلمان همچنان بالاست. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در اطلاعیه خبری خود ضمن حمایت از این معلم، نوشت: صدور احکامی مانند زندان هرگز موجب توقف مطالبه‌گری نخواهد شد. این شورا همچنان خواستار پایان یافتن پرونده‌سازی علیه فرهنگیان است.

خبر دیگر مربوط به محمد داوری فعال کارگری است که در دوم دی‌ماه از زندان عادل‌آباد به بازداشتگاه اداره اطلاعات شیراز موسوم به پلاک ۱۰۰ منتقل شده است و تاکنون با خانواده خود هیچ تماسی نداشته است. این موضوع موجب نگرانی شدید خانواده و همگان شده است.

حکومت اسلامی در هراس از سر بلند کردن قدرتمندتر انقلاب بر سرکوبگری‌هایش شدت می‌دهد. علاوه بر معلمان زندانی که در اطلاعیه قبل گزارش شد هم اکنون تعدادی از فعالین کارگری، مدافعین حقوق کارگری و بازنشستگان در بازداشت به سر می‌برند که اسامی شماری از آنها عبارتند از:

مهدی جهانگیر، محمد داوری، شریفه محمدی، ناهید خداجو، اسماعیل گرامی، رضا اقدسی، عیسی ابراهیم‌زاده، رضا اقدسی، ابراهیم مددی، داوود رضوی، سپیده قلیان، راحله راحمی‌پور، مهران رئوف و عباس دریس که در خطر اعدام است.

کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات با خواست مشخص پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات، بسته شدن پرونده‌های امنیتی تشکیل شده برای کارگران، معلمان و تمامی فعالین سیاسی و آزادی کارگران، معلمان و همه زندانیان سیاسی یک کارزار مهم معلمان و کارگران و کل جامعه است. کمپین برای آزادی کارگران زندانی (free them now) خود را همراه این کارزار دانسته و بر آزادی فوراً و بدون قیدوشرط تمامی کارگران، معلمان و همه فعالین زندانی تأکید دارد.

**کمپین برای آزادی کارگران زندانی**

دی ۱۴۰۳، ۲۹ دسامبر ۲۰۲۴

[Shahla.daneshfar2@gmail.com](mailto:Shahla.daneshfar2@gmail.com)

<https://www.free-them-now.com>

حبس محکوم شد. پرونده دیگر امان جلالی نژاد در شعبه ۴ دادگاه حکومتی انقلاب، با توجه به تغییر قاضی شعبه متوقف شده است. او در تاریخ بیستم فروردین سال جاری، در محدوده ورودی شهر اهواز دستگیر شد و اوایل خرداد از بند قرنطینه زندان شبیان اهواز به بند امنیتی این زندان منتقل شد و بیست و دوم خردادماه در شعبه ۱۳ دادسرای انقلاب اهواز تحت عنوان تبلیغ علیه نظام تفهیم اتهام شد.

از شهریور ۱۴۰۰ که دور تازه اعتراضات معلمان آغاز شد، نیروهای امنیتی دهها معلم را بازداشت و به حبس محکوم کردند و هم اکنون تعداد قابل توجهی از آنها در زندان به سر می‌برند. بعلاوه بسیاری از معلمان به صورت موقت یا دائم از کار اخراج شده‌اند، شماری حکم تبعید گرفته و شماری هم با داشتن حکم زندان در خطر بازداشت قرار دارند. هم اکنون این سرکوبگری‌ها به شیوه‌های مختلف ادامه دارد. اسامی شماری از معلمان زندانی عبارتند از: رسول بداغی، هاشم خواستار، جواد لعل محمدی، محمدحسین سپهری، ناهید شیرپیشه، امان جلالی نژاد، علیرضا مرداسی، محمد حبیبی، محمدحسن پوره، حجت اله رافعی، زرگار روشنی، مصطفی محمدحسن، معصومه عسکری، آزاد خادم و عبدالله کریم گولان.

- طبق گزارشات منتشر شده ۱۵ تن از نمایندگان کارگران ارکان ثالث صنعت نفت به دلیل مطالبه حقوق و مطالباتشان با خطر اخراج مواجه شده‌اند. این کارگران از خرداد امسال از طریق شرکت ملی حفاری ایران به «هسته گزینش جنوب» معرفی شدند و پس از احضار توسط این نهاد، درباره مطالبات برحق خود و دلایل مطالبه‌گری‌شان توضیحاتی دادند.

طبق خبرها طی ۷ ماه اخیر، دو نفر از این کارگران، حکم اخراج قطعی دریافت کرده‌اند، ۵ نفر در انتظار دریافت حکم، و باقی آنها منتظر احضار و روشن شدن وضعیت شغلی‌شان هستند. شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت طی اطلاعیه‌ای این اخراج‌ها و امنیتی کردن مبارزات را شدیداً محکوم کرده و از مبارزات و خواست‌های ۱۲۰ هزار همکار ارکان ثالث خود در شرکت ملی حفاری ایران و صنعت نفت اعلام حمایت کرده است.

- مهدی جهانگیری کارگر شهرک صنعتی شهرک گلگون که در بیست و ششم آذرماه به دنبال اعتراض کارگران و مردم این شهرک به قطع مکرر برق، دستگیر شده بود همچنان در بازداشت به سر می‌برد. او در آن روز پس از پایان تجمع و درحالی که در حال ترک محل بود توسط پلیس امنیت به بهانه "دو دقیقه صحبت" از دوستانش جدا و بازداشت شد.

آزادی فوری و بدون قیدوشرط وی خواست فوری مردم و کارگران معترض شهرک گلگون است. مهدی جهانگیری باید فوراً و بدون قیدوشرط آزاد شود.

آخرین گزارش مربوط به خبر خوشحال کننده آزادی عثمان اسماعیلی کارگر بازنشسته و زندانی سیاسی سابق از زندان مرکزی سقز است. او در بیست و هشتم آذرماه پس از پایان دوره محکومیتش در میان استقبال خانواده و دوستانش آزاد شد. آزادی عثمان اسماعیلی را به وی، به خانواده‌اش و به همگان تبریک می‌گوییم.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی بر آزادی فوری و بدون قیدوشرط کارگران، معلمان و تمامی زندانیان سیاسی تأکید دارد. کمپین همراه با کارگران و معلمان بر پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و بسته شدن پرونده‌های امنیتی تشکیل شده برای تمام فعالین سیاسی تأکید دارد. ما همه تشکلهای اتحادیه‌های کارگری بین‌المللی را به اعتراض به سیاست‌های سرکوبگرانه و ضد کارگری حکومت اسلامی فرامی‌خوانیم.

**کمپین برای آزادی کارگران زندانی**

دی ۱۴۰۳، ۲۸ دسامبر ۲۰۲۴

[Shahla.daneshfar2@gmail.com](mailto:Shahla.daneshfar2@gmail.com)

<https://www.free-them-now.com/>

**زنده باد انقلاب  
زن، زندگی، آزادی**

## از خوزستان چه خبر؟

### اخبار هفته: واحد خوزستان کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۷- ۱۴ دی ۱۴۰۳

جمعه ۱۴ دی

بازنشستگان تأمین اجتماعی در خوزستان در ادامه یکشنبه‌های اعتراضی خود برای شانزدهم دی‌ماه فراخوان به تجمع داده‌اند. در این فراخوان آمده است "داشتن زندگی شایسته، انسانی و پر از رفاه، آسایش و امنیت، حق ماست! فقط کف خیابان به دست میاد حقمان."

پنجشنبه ۱۳ دی

دو زندانی سیاسی مان جلالی نژاد معلم و عضو شورای هنرستان امیرکبیر اهواز و مهدی معمار دانشجوی مکانیک بیش از ۲۶۰ روز است که در زندان شیبان اهواز زندانی هستند. این زندانیان چندی پیش در یک پرونده قضایی در دادگاه کیفری اهواز محاکمه شدند. بخش دیگر پرونده آنها همچنان در دادگاه انقلاب این شهر در حال بررسی است. باید برای آزادی آنها و همه زندانیان سیاسی تلاش کنیم. جلالی نژاد در ۲۰ فروردین امسال و مهدی معمار در ۲۷ فروردین بازداشت.

روح اله کاووسی، شهروند اهل ایذه، ۴۸۸ روز است که در بند پنج زندان شیبان اهواز در بازداشت به سر می‌برد. او در این مدت چندین بار در دادگاه انقلاب اهواز از بابت اتهاماتی از جمله اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور و تبلیغ علیه نظام محاکمه شده است اما همچنان در حالت بلا تکلیفی در زندان است. روح اله کاووسی باید فوراً و بدون قیدوشرط آزاد شود.

طبق گزارشات زندانیان سیاسی در زندان شیبان اهواز تحت فشار و "شکنجه سفید" قرار دارند. این زندانیان که شمارشان دستکم هفتاد و پنج نفر است، در بند ۵ زندان شیبان اهواز زندانی هستند، بدون رعایت اصل تفکیک جرائم در کنار زندانیان با جرائم خشن و محروم از رسیدگی‌های پزشکی قرار دارند.

چهارشنبه ۱۲ دی

کارگران پتروشیمی آبادان برای دومین روز با فریاد "وعده وعید کافیه سفره ما خالیه" مقابل فرمانداری این شهر تجمع کرده و پیگیر مطالبات و روشن شدن وضعیت شغلی خود شدند. این کارگران در روز گذشته نیز تجمع و راهپیمایی داشتند. این کارگران خواستار بازگشت به کار و ایمنی شغلی و پرداخت فوری طلب‌های مزدی و بیمه‌ای خود هستند.

آلودگی ناشی از مازوت‌سوزی صنایع نفتی و تصاعد دود سیاه در آسمان شهرستان اهواز و مناطق تابعه در غیرنایه خبرساز شد. مردم به آلودگی هوا و گرفتن حق نفس کشیدن سالم توسط مافیای حاکم بر جامعه اعتراض دارند.

کارگران بازنشسته صنعت نفت اهواز در اعتراض به مشکلات معیشتی خود و پی‌پاسخ ماندن مطالباتشان و نیز علیه اختلاسگری‌ها و دست‌اندازی به صندوق بازنشستگی مقابل ساختمان این صندوق در اهواز تجمع کردند. در این تجمع اعتراضی این کارگران با فریاد شعارهایشان بخش‌های مختلف نفت را به اتحاد مبارزاتی فراخواندند.

کارگران شرکت پتروپایدار خاتم‌الانبیا در اعتراض به کیفیت بد غذا، و بوی بد و فاسد بودن گوشت آن و دیدن ترکیباتی در غذا از خوردن غذا خودداری کرده و دست به اعتصاب غذا زدند. طبق گزارشات طی چند روز گذشته چندین کارگر مسموم غذایی شده‌اند.

سومین روز تجمع کارگران نیشکر هفت‌تپه در اعتراض به عدم واگذاری قطعی این شرکت به شرکت توسعه نیشکر و پی‌پاسخ ماندن مطالباتشان جریان یافت.

سه‌شنبه ۱۱ دی

اعضای کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" در هفته‌های چهارم و پنجم اعتراض خود که هم اکنون ۲۸ زندان را دربرگرفته است در پیام خود در لیست اعتراضی‌شان به تأیید حکم اعدام مجاهد کورکور اشاره کرده و می‌نویسند: "زندانی سیاسی، مجاهد کورکور، که بیش از دو سال است در زندان به سر

می‌برد، برای بار دوم حکم اعدامش، که پیش‌تر توسط دیوان نقض شده بود، در شعبه هم‌عرض دادگاه انقلاب اهواز تأیید شده است و جان او به شدت در خطر است". و در آخر پیام اعضای این کارزار آمده است: "کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام"، ضمن محکوم کردن اقدامات سرکوبگرانه و ضدانسانی حکومت که نقض فاحش حقوق بشر است، از تمامی فعالان این حوزه می‌خواهد برای مقابله با سرکوب و اعدام در ایران اقدام کنند."

دوشنبه ۱۰ دی

بازنشستگان مخابرات در ادامه دوشنبه‌های اعتراضی خود در شهرهای مختلفی جهت پیگیری مطالباتشان و علیه فقر و بی‌تامینی و اختلاس‌های ستاد اجرایی و تعاون سپاه (مالکان شرکت مخابرات) تجمع کردند. در اهواز نیز بازنشستگان مخابرات تجمع داشتند.

جمعی از جوانان انقلابی ایذه و هم‌شهری‌های مجاهد کورکور با شعارنویسی‌های خود بر دیوارها اعلام کرده‌اند که در صورت اجرای حکم مجاهد کورکور، باید منتظر اعتراضات گسترده مردم این شهر باشند. مجاهد کورکور در حال حاضر در زندان شیبان اهواز محبوس است و از ابتدا برای اعتراف اجباری تحت شکنجه قرار گرفته بود. مادر مجاهد کورکور، زندانی محکوم به اعدام طی پیامی ویدئویی از مردم طلب کمک کرده است.

یکشنبه ۹ دی

بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد مطابق یکشنبه‌های هر هفته جهت پیگیری مطالبات خود در چندین شهر تجمعات اعتراضی برپا کردند. در این روز بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهای شوش و اهواز نیز تجمع کردند و با فریاد شعارهایشان صدای اعتراضشان را بلند کردند.

اعتراضات کارگران شرکتی پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی بندر ماهشهر در اعتراض به پی‌پاسخ ماندن مطالباتشان برای دومین روز متوالی ادامه یافت. این سومین دور از اعتراضات این کارگران برای پیگیری خواست‌هایشان است. این کارگران قبلاً در ۱۰ دی‌ماه ۱۴۰۲ و شهریورماه سال جاری برای رسیدن به مطالبات خود تجمع داشتند.

شنبه ۸ دی

کارگران شرکت نفتی ایران افق روز ۸ دی برای سومین روز متوالی در اعتراض به مشکلات معیشتی و برای پیگیری مطالبات خود دست به اعتصاب زدند. اهم مطالبات این کارگران عبارت‌اند از: افزایش حقوق مطابق با سایر شرکت‌های غرب کارون، شیفتی کردن پرسنل بومی یا تعطیلی پنجشنبه، تعیین روز مشخص در ماه جهت پرداخت کردن حقوق، پرداخت پاداش اورهال و تولید و پاداش‌های مناسبتی، پرداخت کلیه معوقات قبلی (بک پی)، و انتخاب بیمه تکمیلی بر اساس میزان ارائه خدمات.

جمعه ۷ دی

امان جلالی نژاد معلم زندانی در دادگاه بدوی به سه سال و شش ماه حبس محکوم شد. طبق گزارشات پرونده‌های او در سوم آذرماه به شعبه ۱۰۲ کیفری و شعبه ۴ دادگاه اهواز ارجاع و سپس همراه با دو متهم دیگر پرونده، به دادگاه منتقل شده و مورد محاکمه قرار گرفت. در پایان، قاضی پرونده با تبدیل قرار بازداشت به فیش حقوقی موافقت و فرزانه زیلابی وکیل امان جلالی نژاد ضمن اعتراض به رأی صادره، خواستار تجدیدنظر در حکم دادگاه تجدیدنظر شد. پرونده دیگر امان جلالی نژاد در شعبه ۴ دادگاه انقلاب، با توجه به تغییر قاضی شعبه متوقف شده است.

او در تاریخ بیستم فروردین سال جاری، در محدوده ورودی شهر اهواز دستگیر شد و اوایل خرداد از بند قرنطینه زندان شیبان اهواز به بند امنیتی این زندان منتقل شد و بیست و دوم خردادماه در شعبه ۱۳ دادرسی انقلاب اهواز تحت عنوان تبلیغ علیه نظام تفهیم اتهام شد.

واحد خوزستان - کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۱۴ دی ۱۴۰۳، ۳ ژانویه ۲۰۲۵



# انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

مسئول فنی: سروناز سینایی

[milad\\_rabei@gmail.com](mailto:milad_rabei@gmail.com)



انترناسیونال هر هفته شنبه‌ها

منتشر می‌شود



شماره حساب و تلفن‌های تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden

Nordea Plusgirokonto: 4122379-3  
Bankkontonummer: 9960264 1223793  
IBAN: SE1095000099602641223793  
BIC: NDENSESS

آلمان:

Germany

Name: M. Eli  
Bankverbindung: Postbank  
IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23  
BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیسی ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

انگلیس:

Bank: NatWest  
Account holder: WPI  
Account number: 45477981  
Sort code: 60-24-23  
IBAN: GB77NWBK60242345477981  
BIC: NWBKGB2L

سؤالی دارید می‌توانید با شماره‌های زیر تماس بگیرید:

تماس از خارج

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از آمریکای شمالی:

بابک یزدی: ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

تماس از ایران

شهلا دانشفر: ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

کیوان جاوید: ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

یوتل‌ست

فرکانس ۱۱۳۸۷

افقی ۲۷۵۰۰

مشخصات فنی تلویزیون

کانال جدید

ترکمن عالم

(جهت یاهست)

فرکانس ۱۰۸۴۵

عمودی ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۲/۳

KANAL JADID  
کانال جدید